

## آموزش فا در کنفرانس فای ۲۰۱۳ نیویورک بزرگ

(لی هنگجی ~ ۱۹ مه ۲۰۱۳)

(همه می ایستند و به شکلی پرشور تشویق می کنند) صبح بخیر! (میریدان پاسخ می دهند، "صبح بخیر، استاد!" تشویق ادامه می یابد) اوه، این احتمالاً بزرگترین کنفرانس فایی است که در این سالها داشته ایم. (تشویق) افراد بسیار زیادی آمده اند. شنیدم که عده ای از سرزمین اصلی چین آمده اند. از آنجا که این کنفرانس فای میریدان دافا است، بهترین محیط برای میریدان دافا می باشد تا همان طور که تزکیه می کنند الهام بخش یکدیگر شوند. از طریق آنچه در کنفرانس مطرح می شود می توانید ببینید که در کجا کوتاهی دارید و همچنین نقاط قوت دیگران را ببینید و بر روی آنها کار کنید.

برای تزکیه کنندگان هیچ الگوی واقعی که از آنها پیروی کنند وجود ندارد. هر فردی در حال تزکیه کردن خودش است و هر یک باید مسیر خود را بپیمایند؛ هیچ مرجعی برای ایده گرفتن و هیچ نمونه ای برای پیروی کردن وجود ندارد. فقط یک چیز وجود دارد: چگونه در اعمالتان از فا پیروی می کنید. هر فردی ادراکات و احساسات خود را درباره مسائل دارد. بنابراین هنگام روبرو شدن با چیزی، بعید است که همه درک یکسانی درباره آن داشته باشند، رویکرد یکسانی نسبت به آن داشته باشند یا به طور یکسانی آن را اداره کنند. خیلی بعید است. علتش این است که افراد روش تفکر متفاوتی دارند و منشأ افکار فرد پیچیده است. تمام عقاید و تصوراتی که هر فردی در طی جریان طولانی زمان شکل داده است به همراه درک های مختلفش درباره چیزها، ادراکاتش و احساساتش - تمامی جنبه های فراوان چیزها که به درک و برداشت فرد یا خصوصیات درکش وارد می شود - تمامی اینها کاملاً پیچیده هستند، و به همین دلیل است که پیدا کردن دو نفر که شخصیت یکسانی داشته باشند مشکل است. تقلید صرف از آنچه فردی دیگر انجام می دهد فقط یک کپی کردن سطحی است، و خیلی بعید است که جوهر و ماهیت آن یکسان باشد.

علاوه بر این، من انتظار دارم که هر فردی از طریق تلاش خودش به کمال دست یابد. هر کسی که اینجا نشسته است یک تزکیه کننده است، چراکه این یک کنفرانس فا است. شاگردان جدید بسیاری نیز در اینجا هستند. استاد قصد ندارد درباره هیچ چیزی که خیلی دور از ذهن باشد صحبت کند. یک موجود به هیچ وجه نمی تواند به سادگی پایین آمده و یک مرید دافا شود. موجودات در این کیهان صرفاً بی شمار هستند. وقتی در اینجا چیزی به این بزرگی و اهمیت در حال وقوع است، کاملاً امکان پذیر است که تمام کسانی که به اینجا آمده اند پادشاه باشند. بنابراین، در رابطه با پیمودن مسیر خودشان و اعتباربخشی به تقوای عظیم خودشان از طریق روشن بینی خود، باید از میان روند درک خودشان عبور کنند و روند تزکیه خودشان را داشته باشند، همراه با عوامل و ویژگی های خودشان. بنابراین هر فردی باید مسیر خودش را بپیماید. و این در واقع تا حدی روشن می کند که چرا در طول این سالها در میان میریدان دافا انواع وضعیت ها، درک های مختلف در تزکیه و ناسازگاری ها هنگام کار با یکدیگر، پیش آمده است.

البته، وقتی در یک پروژه دافا کاری هست که باید انجام شود، شما باید تا آنجایی که می توانید چیزهای خودتان را کنار بگذارید تا آنچه را که پروژه نیازمند انجام آن است به انجام برسانید. این اولین اولویت است. بنابراین باید همکاری کنید. با این حال، هنگام کامل کردن آن وظیفه، شما شیوه خودتان در اداره امور را برای آن به همراه می آورید، که بازتابی از پیمودن مسیر خودتان در تزکیه است. استاد این را تصدیق می کند، و هیچ اشکالی در مورد آن وجود ندارد. این اجتناب ناپذیر است که هر فردی بدین صورت به امور بپردازد. امکانش نیست که همه شما دقیقاً یکسان باشید طوری که انگار همگی از یک قالب شکل گرفته باشید. به همین جهت، آزمون ها و امتحان هایی که با آنها روبرو می شوید، دست اندازهای مسیر تزکیه که هر کدام از شما تجربه

می‌کنید- هر نوع مسیری که باشد، خواه دشوار یا ناهموار و یا هر چیز دیگر باشد- همگی به منظور تکوین و اعتباربخشی به مرتبه‌آسمانی‌تان است و مسیر منتهی به کمال نهایی‌تان و هر چیزی که به آن نائل می‌شوید را به اثبات می‌رساند.

در طی روند تزکیه‌تان، از میان سختی‌های بسیار و امتحان‌های بسیاری عبور کرده‌اید، و از میان چیزی که آن را شکنجه و آزاری بی‌سابقه می‌نامم با موفقیت گذر کرده‌اید. همان‌طور که می‌دانید، مسیحیان به مدت سیصد سال مورد شکنجه و آزار قرار گرفتند و بودیست‌ها از میان پنج محنت گذر کردند، به‌طوری که تقابل بین بودا شاکيامونی و برهمنیسم اولیه در آن زمان کاملاً شدید بود. با این وجود آن چیزها به پلیدی ح.ک.چ شیطانی نبودند. این توسط نیروهای کهن در سطوح بالاتر هدایت می‌شود. در اجتماع بشری قرار است راستی و شرارت با هم وجود داشته باشند، و خوب و بد و نیک و پلید با هم وجود دارند. آنها یک تعادل را شکل می‌دهند. اگر نیکی وجود نداشت، مردم نمی‌دانستند پلیدی چیست؛ اگر پلیدی وجود نداشت، مردم نمی‌دانستند نیکی چیست. در تزکیه، خوبی استناداری برای افراد مهیا می‌کند، در حالی که پلیدی‌ای که وجود دارد به تزکیه‌کنندگان اجازه می‌دهد که راه رسیدن به استاندارد را دریابند. این مسئله تزکیه‌کنندگان را قادر می‌سازد که در تزکیه‌شان خود را به کمال برسانند، و اینها اوضاع و شرایط مهم مهیا شده در دنیای بشری برای تزکیه‌کنندگان است که آنها را قادر می‌سازد وجود خود را تعالی بخشند. این چیزی بود که در گذشته هنگام خلق اجتماع بشری معین شد: اگر می‌خواهید تزکیه کنید باید بدین صورت انجام شود. اما نیروهای کهن از این ویژگی دنیای بشری استفاده برده و آن را به چیزی مطلق تبدیل کرده‌اند.

این ویژگی دنیای بشری پدیده‌ای نیست که در هیچ بعد دیگر کیهان یافت شود. فقط در این محیط اجتماع بشری، جایی که نیکی و پلیدی همراه هم وجود دارند، چیزها با این شدت به نمایش درمی‌آیند. و فقط از این روست که افراد می‌توانند تزکیه کنند. البته، فقط همین چیزها نیست. عناصر دیگری مانند توهم، رنج و احساسات نیز وجود دارند. نیروهای کهن دقیقاً از این پدیده استفاده برده‌اند و این شکنجه و آزار شدید مریدان دافا را، به عنوان یک "امتحان"، ایجاد کرده‌اند. آنطور که آنها توصیفش می‌کنند، از قرار معلوم برای این است که مریدان دافایی که توانایی رسیدن به کمال را دارند قادر شوند به کمال برسند. اما البته، همان‌طور که استاد اغلب به شما گفته است، بیان کردم که با مجموعه چیزهای نظم و ترتیب داده شده توسط نیروهای کهن موافق نیستم و آنها را نمی‌پذیرم. من روش‌های خودم را در نجات موجودات ذی‌شعور داشتم، و آنچه را که می‌خواستم انجام دهم با خود به همراه آوردم. اما نیروهای کهن رفتند و در نهان، کار تماماً متفاوت خودشان را انجام دادند. بنابراین چیزهایی مثل شکنجه و آزار مسیحیان، یا بودیست‌ها، که هم‌اکنون به آنها اشاره کردم- آنها فکر می‌کنند که این تجربه‌ای ضروری است که فرد قبل از اینکه بتواند به کمال برسد یا یک موجود روشن بین شود باید آن را طی کند. فکر می‌کنند که صرفاً باید بدین شکل انجام شود، و انجام آن به هر شکل دیگری عملی نیست. هنگامی که از اصول بالاتر استفاده کردم تا به آنها متذکر شوم که رویکردشان در قبال مریدان دافا مداخله شیطانی خواهد بود، پاسخ دادند، "این تنها راهی است که برای انجام آن می‌دانیم."

اما آیا قانون بودا قادر مطلق نیست؟ هیچ کسی انتظار نداشت که بتوانم از هنرهای نمایشی برای نجات مردم استفاده کنم. این چیزی است که آنها نیز انتظارش را نداشتند.

قانون بودا قادر مطلق است. اینکه بگذاریم افراد در میان اجتماع عادی تزکیه کنند- این نیز چیزی است که آنها انتظارش را نداشتند.

پس رویکردی که می‌خواستم به کار بگیرم چه بود؟

کل کیهان بد شده بود، و اکنون تمام موجودات مقدار عظیمی کارما دارند. عیسی گفت که بشر گناهکار است، و واقعاً همان‌طور که بودیست‌ها بیان می‌کنند، مردم در سراسر زندگی‌شان پیوسته کارما ایجاد می‌کنند، که منجر به گناه می‌شود؛ یا به عبارت دیگر، مردم در جریان طولانی و به درازا کشیده شده‌ی بازپیدایی، زندگی پس از زندگی، بدهی‌های کارمایی بسیاری جمع کرده‌اند. ممکن است فرد سربازی بوده که در زندگی گذشته مردم را به قتل رسانده باشد، یا شاید یک قصاب بوده، یا از مردم سوءاستفاده کرده یا کار بسیار بدی را انجام داده باشد. واقعیت این است که هم‌اکنون همه به این مرحله رسیده‌اند، به‌طوری که کارما در سراسر بدن آنها وجود دارد. اساساً اکنون تمام اجتماع اینگونه است. حیات‌ها در سطوح بالاتر نیز دیگر در حد استاندارد نیستند، و

حتی خود استاندارد نیز تغییر کرده است. وقتی چیزها به این مرحلهٔ امروزی رسیده است، اگر فرد بخواهد این موجودات را نجات دهد، درباره‌اش فکر کنید، با به کارگیری رویکرد [نیروهای کهن] امکان انجامش وجود نداشت. واقعیت ثابت کرده است که این ابداعاً عملی نمی‌بود. و آنها این را می‌دانند، بنابراین واقعاً قصد ندارند کاری کنند که افراد خیلی زیادی نجات پیدا کنند. شنیده‌اید که در پیشگویی‌های گذشته گفته شده که، "فقط هزار نفر در هر ده هزار نفر باقی خواهد ماند،" یا "یک خانواده در هر ده خانواده،" درست است؟ مجموعهٔ گسترده‌ای از پیشگویی‌ها چنین چیزی را بیان کرده‌اند. این نمایانگر این است که آنها نمی‌خواستند مردم واقعاً نجات پیدا کنند، و صرفاً در نظر داشتند آنها را نگه دارند که فکر می‌کردند به حد کافی خوب هستند.

اما واقعیت این است که تمام موجودات ذی‌شعور برابرند. در سال‌های طولانی و به درازا کشیده شده، حیات‌ها به مرحله‌ای رسیدند که دیگر در حد استاندارد نبودند، فاسد شدند و همه چیز غیرقابل قبول شد. علتش این است که خود کیهان در خردش محدود به چیزی بود که "شکل‌گیری، ایستایی، فساد، انهدام" نامیده می‌شود. پس، موجودات ذی‌شعور به‌طور طبیعی در جریان شکل‌گیری، ایستایی، فساد، انهدام، فاسد می‌شوند، مگر اینکه شکل‌گیری، ایستایی، فساد، انهدام تغییر کند. در زمان شکل‌گیری کیهان، موجودات ذی‌شعور از نظر سرشت با دائو و فای کیهان همسان بودند؛ مرحلهٔ ایستایی دورهٔ نسبتاً خوبی بود، طوری که معیارهای اخلاقی در یکایک سطوح هستی با استاندارد کیهان مطابقت داشت؛ سپس در زمان فساد، چیزها شروع به انحطاط کردند، طوری که اخلاقیات دنیا روز به روز سقوط می‌کرد؛ و در زمان انهدام، چیزها دیگر مناسب نیستند، و هنگامی که به انتها برسند، نمی‌توانید بگذارید بیش از آن بیوسند، آیا می‌توانید؟ پس چه کار می‌کنید؟ تمام آن را نابود کن. بعد از اینکه چیزها نابود می‌شوند، چیزی باقی نمی‌ماند—حیات‌ها و مواد در کیهان از هستی باز می‌ایستند. آنگاه اگر آنها را می‌خواستید، باید آنها را از نو خلق می‌کردید. اکنون متوجه مطلب هستید. بنابراین، بدون تغییر این موضوع اساسی، موجودات ذی‌شعور در جریان شکل‌گیری، ایستایی، فساد، انهدام، ناگزیر دستخوش تغییر می‌شوند.

پس آن گناهان واقعاً متعلق به چه کسی است؟ اگر از من بپرسید، آن گناهان را نمی‌توان به هیچ کس نسبت داد. این صرفاً طوری است که موجودات، با توجه به سرشت شکل‌گیری، ایستایی، فساد، انهدام کیهان، عمل می‌کنند. علت آن این است خرد کیهان نقص داشت. بنابراین، فکر کردم بهترین رویکرد این است که برای تمام موجودات، مسائل را با نیکخواهی حل و فصل کرد! اهمیتی نداشت که چه کسی به چه کسی چه چیزی بدهکار بود، همگی جمع کردن قرض‌هایشان را متوقف می‌کردند، چراکه همگی گناهانی دارند. اگر هر کسی جمع کردن بدهی‌های خود را متوقف می‌کرد؛ اگر در طی اصلاح فای هر چیزی بین مردم به طریق مثبتی حل و فصل می‌شد؛ و اگر هر کسی به سوی آینده پیش می‌رفت، چقدر عالی می‌بود! (تشویق خروشان) موجودات ذی‌شعور مطمئناً این را دوست می‌داشتند، و هر کسی خوشحال می‌بود. این چیزی است که در آغاز می‌خواستیم انجام دهیم.

اما، نیروهای کهن تمامی آن را تغییر دادند، و یک چنین رنج عظیمی را ایجاد کردند—چیزی آن قدر شیطانی که سابقه نداشت است. برای مثال، دربارهٔ برداشت اعضای بدن زنده فکر کنید. در گذشته در روم باستان حتی در اوج آزار و اذیت مسیحیان، هیچ چیزی به این حد شیطانی وجود نداشت. اعدام کردن در زمرهٔ ظالمانه‌ترین کارهایی بود که آنها انجام می‌دادند. بدترین شرارت‌هایی که در این سیاره به وقوع پیوسته چیزی است که مریدان دافا در این شکنجه و آزار متحمل آن شده یا در معرض آن قرار گرفته‌اند. نیروهای کهن معتقدند که از آنجا که شما از چنان سطوح بالایی می‌آید و قرار است به چنان مرتبه‌های آسمانی عظیمی نائل شده و پادشاهانی به آن عظمت شوید، اگر فقط از میان آزمون‌هایی جزئی گذر می‌کردید و اگر روش‌های به‌کاررفته بر روی شما به‌طور متناسبی شیطانی نبودند، آیا می‌توانستید تا آن ارتفاع تزکیه کنید؟ منطقی آنها اینگونه است.

همان‌طور که می‌دانید، فایی که استاد آموزش می‌دهد، در عین اینکه در معنا به‌طور فوق‌العاده‌ای غنی و ژرف است، در ظاهر خیلی واضح و مستقیم است. زمانی که گفتم صحبت کردن با چنین اصول و زبان ساده‌ای موجودات ذی‌شعور را سردرگم کرده است درواقع به موجودات در سطوح بالا اشاره می‌کردم. از نظر تاریخی، افراد فکر می‌کردند که وقتی یک روز مردم نجات پیدا کنند، احتمالاً کسب فای سخت خواهد بود و فرصت سخت به دست می‌آید. و در گذشته فقط مردم دنیا نبودند که اینگونه دربارهٔ آن صحبت می‌کردند، بلکه موجودات خدایی نیز فکر می‌کردند که، در انتها، هنگامی که فای آموزش داده شود، هنگامی که در انتها

زمان نجات موجودات ذی‌شعور فرا رسد فرصت مطمئناً بی‌نهایت سخت به دست می‌آید، مطمئناً فهمیدن [اینکه آن آمده است] بسیار سخت خواهد بود- فقط آنهایی که فوق‌العاده باهوش بودند می‌توانستند آن را بفهمند- و فرد برای پیدا کردن آن می‌بایست از میان سختی عظیمی بگذرد. درباره‌اش فکر کنید: اگر این‌گونه بود، آیا منصفانه می‌بود؟ خیر، منصفانه نمی‌بود. خیلی از موجودات روشن‌بین بزرگی که به این دنیا آمده‌اند ممکن است به صورت افرادی معلول باز پیدا شده باشند یا به علت کهولت سن، مشکل شنوایی یا بینایی پیدا کرده باشند. آیا برای آنها منصفانه می‌بود؟ خیر، نمی‌بود. بنابراین، فایده‌ای که استاد آموزش می‌دهد تا حد ممکن واضح و ساده است. ولی این در واقع باعث شد که [آن موجودات سطح بالا] به آن باور نیاورند. در این زمینه، آنها حتی از مردم اینجا در این دنیا نیز بدتر عمل کرده‌اند.

اصول منتقل شده واضح و ساده هستند و کلمات نیز همین‌طور. تقریباً هیچ رمز و رازی درباره‌ی آن وجود ندارد. گفتم که این بار فایده‌ای به موجودات ذی‌شعور آموزش داده می‌شود که کاملاً منصفانه است. گفته‌ام که دروازه‌ی بزرگ باز شده است- آن قدر باز که دیگر دروازه نیست. و ایده‌ی پشت آن در واقع این است. اما نیروهای کهن باز هم بر انجام آنچه که خواهان آن هستند پافشاری کرده‌اند. البته، اکنون چیزها برایشان روشن است. اکنون می‌دانند که تمام آنچه انجام می‌دهند در واقع در حال نابود کردن خودشان است. در عین حال تمام آنچه که انجام می‌دهند ناشی از این است که نیروهای کهن سطوح بالاتر، از این [وضعیت] استفاده می‌کنند تا حیات‌ها در سطوح پایین‌تر خود را، که گناهانشان عظیم است، نابود کنند، چراکه آن حیات‌ها بزرگ‌ترین گناه را مرتکب شده‌اند- تغییر دادن آنچه که من می‌خواستم انجام دهم. اما به هر صورت، تمام چیزهایی که شکنجه و آزار به وجود آورده رفته‌رفته به پایان خود نزدیک می‌شود و قابل برگشت نیست. آنها احتمالاً نمی‌توانند برای آنچه انجام داده‌اند بپردازند. چیزی که با آن مداخله کردند اصلاح کیهان توسط فاست، و آن گناه واقعاً عظیم است.

اکثریت افرادی که امروز اینجا هستند مریدان دافای خارج از چین هستند. اما مریدان دافای سرزمین اصلی چین در واقع بدن اصلی هستند. زیرا پادشاهان هر یک از گروه‌های قومی از هر دوره‌ی تاریخ در چین باز پیدا شده‌اند و همچنین موجوداتی از سطوح بالا و حتی بالاتر.

ظاهر بیرونی فرد می‌تواند توسط عقاید و تصوراتش تغییر کند. ح. ک. چ. شیاطانی به فرهنگ سنتی چین صدمه زده است، و آن فرهنگی نیمه‌الهی بود- فرهنگی که به الهی بودن نزدیک‌ترین است. وقتی شن یون را تماشا می‌کنید می‌توانید این را حس کنید، درست است؟ و همراه با این، حزب شیاطانی ایدئولوژی بسیار پلید "کشمکش" را در مردم القا کرده است، و باعث شده که مردم این روزها فقط با همدیگر دعوا و رقابت کنند. خود مردم چین اکنون آگاه‌اند که هر وقت چینی‌هایی دور هم جمع می‌شوند، هر جا که باشد، با همدیگر جنگ و دعوا می‌کنند. بسیاری از افراد از ملیت‌های دیگر در تعجب‌اند که چرا چینی‌ها حسی از "اتحاد" ندارند. در واقع دلایل عمیقی پشت این وجود دارد. نیروهای کهن عمداً می‌خواستند امور را به آشفتگی بکشانند، تا این حد به آشفتگی بکشانند. و وقتی چینی‌ها آشفتگی‌ای ایجاد کرده‌اند، آن وقت ببینند که شما چگونه تزکیه می‌کنید. با توجه به اینکه اصل و مبدأ شما بسیار رفیع است و شما نماینده‌ی حیات‌های بسیار زیادی هستید و مرتبه‌ی آسمانی‌تان به هنگام کمال بسیار عظیم است، آنها تصمیم گرفتند که چین را به وضع آشفتگی امروزی‌اش تبدیل کنند. [با این فکر که،] "فقط زمانی شما را به رسمیت می‌شناسیم که بتوانید به بیرون از وضعیتی شبیه این تزکیه کنید. اگر نتوانید در تزکیه کردن به این نحو موفق شوید، پس بدین معنی است که منش شما نقص دارد. فقط آنهایی را به رسمیت می‌شناسیم که در چنین محیطی شیاطانی در تزکیه موفق شوند." و این چیزی است که انجام داده‌اند. به‌طور نسبی بگوییم، خارج از مرزهای چین امور آنقدرها وحشتناک نیستند. در چین، جایی که هیچ چارچوب مرجع دیگری وجود ندارد، مردم نمی‌توانند حس کنند که به چه تبدیل شده‌اند. به‌طور مشابه، در میان مریدان دافا، خیلی‌ها هستند که کوشا نبوده‌اند، یا درخصوص رفتار و عملکردشان جدی نبوده‌اند، و به علت مداخله‌ی فرهنگ حزب، در میان گروه ایجاد مزاحمت و اختلال کرده‌اند.

اما به هر صورت، اکنون هر چیزی به انتها رسیده است. اهریمن دیگر قدرت این را ندارد که یک دور دیگر از شکنجه و آزاری به این شرارت را سازماندهی کند. علتش این است که عوامل شیاطانی‌ای که مشارکت داشتند توسط نیروهای کهن از بسیاری از سطوح سرچشمه گرفته بودند، و آن عوامل شیاطانی به‌طور خاص برای این شکنجه و آزار در کنار هم گذاشته شدند، [و آنها]

شامل انواع و اقسام چیزهای بسیار بد [بودند]. اکنون اکثریت آنها از بین رفته‌اند، بنابراین چنین به نظر می‌رسد که شرایط آسوده‌تر و آسوده‌تر می‌شود. اما، تا زمانی که به پایان نرسیده باشد، شیطان به همان نحو شیطانی خواهد بود. درست همان‌طور که سم مجبور است سمی باشد، و حتی اگر از آن بخواهید که سمی نباشد نمی‌تواند. بنابراین شما نباید حفاظ خود را پایین بیاورید. بهترین سعی‌تان را کنید که اجازه ندهید نیروهای کهن از هیچ شکافی در تزکیه‌تان سوءاستفاده کنند. در مورد چیزها در پایان، استاد در حال مشاهده و تصمیم‌گیری است که چگونه آنها را اداره کند.

به هر صورت، به عنوان یک تزکیه‌کننده، شما کسی هستید که در مسیر الوهیت است، و همان‌طور که می‌دانید، کسی که در مسیر الوهیت است البته که متفاوت با یک موجود عادی یا یک فرد معمولی است. اما شما تزکیه‌تان را در میان افراد عادی انجام می‌دهید، بنابراین از نظر رفتارتان، یا حتی لباس پوشیدن‌تان، طرز برخورد یا صحبت کردن‌تان، هیچ تفاوت خاصی با افراد عادی وجود ندارد. فقط یک فرق عمده وجود دارد: هنگامی که شما تضادها یا تنش‌ها یا هر وضعیتی را تجربه می‌کنید، قادرید که برای علت آن به درون خود نگاه کنید، [و فکر کنید،] "آیا علتش این است که من مرتکب اشتباهی شدم؟ آیا مشکلی در سمت من وجود دارد که موجب این ناسازگاری شده است؟" این تنها تفاوت بارز بین شما و یک فرد عادی است. البته، این تفاوت در رفتار شما نیز متجلی می‌شود. افراد عادی احساس می‌کنند که منش و شخصیت شما با دیگران فرق دارد، یا فکر می‌کنند مریدان دافا مهربان هستند، و تعامل با مریدان دافا برایشان خوشایند است. هر چه باشد، از آنجا که شما تزکیه‌کننده هستید، میدان پیرامون شما میدانی از خوبی خالص است—چیزی که مردم عادی ندارند. بنابراین از این نظر متفاوت هستید، و مردم این را حس می‌کنند.

پس به بیان دیگر، اگرچه مریدان دافا تزکیه‌کننده هستند، اما از لحاظ ظاهری، مشکل بتوان بین آنها و افراد عادی وجه تمایزی قائل شد. مخصوصاً وقتی اینطور است که فرد در میان مردم عادی تزکیه می‌کند، و حتی بیشتر که، در محیطی به این پیچیدگی تزکیه می‌کند. بنابراین برای تزکیه‌کنندگان سخت است. به خاطر دارم که وقتی در ابتدا فا را کسب کردید، همین که این فا را دیدید—مخصوصاً آنهایی که در دو رده اول از سه رده‌ای قرار دارند که قبلاً توصیف کرده‌ام—واقعاً قلباً به وجد آمدید! [فکر می‌کردید،] "این فوق‌العاده است! بالاخره آن را پیدا کردم!" آیا تمامی آن هزاران سال بازپیدایی و انتظار دقیقاً برای این نبود؟ در آن زمان، برانگیخته شده توسط این حس که از اعماق وجودتان می‌آمد، قادر بودید هر وابستگی بشری را رها کرده و مصمم باشید که خود را به خوبی تزکیه کنید. آن شور و هیجان می‌توانست شما را به کوشا بودن سوق دهد. اما با گذر زمان، آن حس به تدریج ناپدید شد. تنبلی بشری، انواع عقاید و تصورات بشری، و گستره‌ای از چیزهای آشفته‌مقابلتان در اجتماع، همگی با هم ترکیب شدند تا شما را وسوسه کرده و با شما مداخله کنند. برای همین است که گفته شده، "با قلبی که سابقاً داشتید تزکیه کنید، و کمال قطعی است." غالباً افراد به من چیزهایی شبیه این می‌گویند، "در گذشته وقتی فا را می‌خواندم سطح خیلی سریع صعود می‌کرد. و همان‌طور که کتاب را می‌خواندم، چیزهایی که در کم را رشد می‌دادند پیوسته برایم آشکار می‌شدند. چرا دیگر این را تجربه نمی‌کنم؟" پس درباره این فکر کنید: آیا شما "با قلبی که سابقاً داشتید" تزکیه می‌کنید؟

آن اوایل چیزی بدین مضمون بیان کردم. گفتم که مریدان دافا، شامل شاگردان جدید، تا وقتی تزکیه می‌کردند، در آن زمان توسط من به سرعت به جایگاه‌شان هل داده می‌شدند. و به کدام جایگاه؟ به هر جایی که از آنجا آمدید، هر ارتفاعی که بود؛ شما در زمانی کوتاه به جایگاه خود هل داده می‌شدید. بدن بشری در سطح، از میان تغییرات عظیمی عبور نمی‌کند. برای اینکه قادر باشید قدرتهایی آن اندازه عظیم را آشکار کنید، باید افکار درستی آن اندازه نیرومند داشته باشید، و فقط آنگاه می‌توانید چنان تأثیر بزرگی داشته باشید؛ افکار درست شما باید تا آن درجه خالص باشد قبل از اینکه بتوانید چنان تأثیر بزرگی را داشته باشید.

می‌دانید، برای یک موجود خدایی تکان دادن یک کوه کاری ندارد؛ تکان دادن کوه‌ها آسان است. اما، آن موجود تفکر بشری ندارد. عقاید و تصورات او همگی خدایی هستند، و وضعیت وجودی او وضعیتی درخور یک موجود خدایی است. پس اگر فردی تفکر بشری داشته باشد آیا می‌توان [کوه‌ها را تکان داد]؟ مطلقاً نه. عده‌ای از تزکیه‌کنندگان می‌توانند آن را انجام دهند در حالی که عده‌ای نمی‌توانند. این موضوعی از این است که آیا افکار درست شما به حد کافی قوی است. این فقط زمانی ممکن خواهد بود که افکار درست شما واقعاً تا حد لازم خالص باشد.

برخی افراد اظهار می‌کنند که فکر می‌کنند کاملاً پاک و خالص هستند، اما در واقع اینطور نیست؛ آنها انواع افکار پراکنده و نامربوط و بسیاری از چیزهایی که پس از تولد شکل گرفته‌اند را دارند. حتی چیزی که آن را یک فکر خیلی ساده در نظر می‌گیرید—از نقطه شروع آن گرفته تا علت آن و یا چیزهایی که آن را همراهی می‌کنند—می‌تواند ناخالص باشد. اگر یک تزکیه‌کننده بتواند برای دوره طولانی در تزکیه، پیوسته افکار درستی قوی را حفظ کند، و آن وضعیت ذهنی را که وقتی در ابتدا فا را کسب کرد، آن وضعیت خالص ذهنی را، نگه دارد، آنگاه این واقعاً قابل توجه است و موجودات خدایی وقتی این را می‌بینند شما را تحسین می‌کنند. اما این آسان نیست. از همان آغاز که فا را ارائه می‌کردم می‌دانستم که تفکر بشری ممکن است با تزکیه‌تان مداخله کند. اگر اینطور نبود، آن تعداد نوشته را در کتاب‌های نکات اصلی برای پیشرفت بیشتر نمی‌نوشتیم تا به‌طور پیوسته در تزکیه‌تان امور را تصحیح کرده، مراقب‌تان بوده و تمامی شما را به جلو هل دهم و مشکلاتی را که در تزکیه‌تان با آنها روبرو بودید به شما متذکر شوم. می‌دانستم که آن موضوعات پیش خواهند آمد. برای سایر تزکیه‌کنندگان گذشته که مریدان دافا نبودند نیز به همین صورت بود. همان موضوعات همیشه وجود داشته است. هر کسی از شما که بتواند "با قلبی که سابقاً داشتید" تزکیه کند قطعاً به کمال دست می‌یابد.

طبعاً از آنجا که شما مریدانی هستید که در شرایط جامعه بشری عادی دافا را تزکیه می‌کنید، مداخله بسیار زیادی وجود دارد. استاد این را می‌بیند. اگرچه قالب تزکیه شما قالبی است که قبلاً هرگز اتخاذ نشده است، با این وجود استانداردی که باید به آن برسید جدی است. این را از جوآن فالون می‌دانید. در تزکیه حقیقتاً باید مثل یک تزکیه‌کننده باشید. حداقل اینکه باید به‌طور منظم افکار هشیار و درست داشته باشید، و قادر باشید در تمام انواع وضعیت‌های پیچیده و در زمانی که با تضادهای مختلف مواجه می‌شوید یا مشکلات ناگهان پدیدار می‌شوند، آن را درست همانند یک تزکیه‌کننده اداره کنید. فقط این قابل قبول است.

البته، دست یافتن به این سخت است، آیا اینطور نیست؟ و به همین دلیل است که مریدان دافا در تزکیه‌شان وضعیت‌های پیچیده‌ای داشته‌اند. افرادی وجود دارند که خوب تزکیه کرده‌اند و افرادی که خوب تزکیه نکرده‌اند، طوری که برخی اینطور و دیگران طور دیگری عمل کرده‌اند. و همان‌طور که می‌دانید، حتی مریدان دافایی بوده‌اند که در گذشته‌اند. البته، در رابطه با موجودات بشری، وجود مرگ و میر امری طبیعی است، درست؟ در هر شهر بزرگی هر روزه افراد بسیار زیادی می‌میرند. تولد، پیری، بیماری و مرگ چرخه‌ای استاندارد برای بشریت است. آنگاه با چنین بدنه بزرگی از افراد، با ده‌ها میلیون مرید دافا، واقعاً معجزه‌آسا می‌بود که هیچ کسی نمی‌مرد و هر کسی یک تزکیه‌کننده کوشا و حقیقی بود که هرگز تسلیم تبلی نمی‌شد. این، افسوس توهم را از بین می‌برد. دقیقاً به خاطر اینکه افرادی هستند که کوشا نیستند مشکلات پیش می‌آیند. اما چون هر چه باشد این بدنه‌ای از تزکیه‌کنندگان است، میزان مرگ و میر کاملاً پایین است. دیگر این که، نیروهای کهن در تلاش بوده‌اند تا این را به محیطی گنج‌کننده تبدیل کنند و افراد را به اصطلاح "آزمایش" کنند. آنها می‌خواستند ببینند که آیا درک شما از فا واقعی است و آیا اعتقاد دارید. بنابراین عمداً درست و نادرست را مخلوط کرده‌اند و واضح دیدن امور را برای افراد سخت ساخته‌اند.

و چگونه اینجا گنج‌کننده می‌شود؟ مثالی می‌زنم. برخی مریدان دافا، به همراه خانواده‌شان، خیلی کوشا هستند. آنها در چشم دیگران خوب به نظر می‌رسند و برخی افراد حتی سعی می‌کنند که از آنها یاد بگیرند. هرطور که آنها در تزکیه عمل کنند دیگران به همان نحو عمل می‌کنند. اما گفته‌ام که برای تزکیه‌کنندگان الگویی وجود ندارد. اگر به جای اینکه سعی کنید خودتان فا را بفهمید فردی را الگوی خود قرار دهید، در دسر به وجود می‌آورد. نیروهای کهن ممکن است فکر کنند که به جای اینکه سعی کنید خودتان درکی از فا بدست آورید صرفاً در حال تماشای تزکیه او هستید. آن وقت ممکن است که باعث شوند آن فرد دیگر بمیرد. البته، برای یک مرید دافا، مردن نیز مطمئناً به معنی کمال است. حتی در رابطه با یک فرد عادی، وقتی از عهده این برمی‌آید که او را از طریق روشنگری حقایق نجات دهید، ممکن است قادر باشد به جایگاه خود برگردد. پس، برای یک تزکیه‌کننده دافا این موضوع خیلی بیشتر صحت دارد. و علاوه بر این، جدا شدن او رویدادی غیرطبیعی بود که نیروهای کهن آن را موجب شدند. پس، البته که او شایسته رسیدن به کمال است.

آن چیزی است که نیروهای کهن از این موضوع ساخته‌اند. آنها از این رویکرد شیطانی استفاده می‌کنند تا دیگران را آزمایش کنند، تا از طریق این موضوعی که اتفاق می‌افتد افراد را آزمایش کنند. "حالا چه؟ این است فردی که فکر می‌کنید به خوبی

تزکیه کرده است. او درگذشت. آیا هنوز باور دارید؟" نمونه‌های بسیاری از این وجود داشته است. خیلی از مریدان دافا این تجربه را داشته‌اند، و اکنون از ترفندهای نیروهای کهن آگاه‌اند. اما در مورد الزامات استاد، تزکیه جدی است؛ یک انسان نمی‌تواند صرفاً از طریق نشستن آنجا در حالی که چای می‌نوشد و کتاب می‌خواند تبدیل به یک موجود خدایی شود. فقط زمانی که فرد قادر باشد واقعاً در مسیر تزکیه کند عملی خواهد بود.

با این حال، در روند تزکیه، دقیقاً به خاطر اینکه یک تزکیه‌کننده همیشه نمی‌تواند همان وضعیت ذهنی را از آغاز تا پایان حفظ کند—مثل یک موشک به بالا صعود کند در حالی که از طریق سختکوشی هر سطحی را که در آن هست محقق گرداند—ناگزیر وضعیت‌های مختلفی وجود خواهد داشت که پدیدار می‌شود. و نیروهای کهن محیط شما را به اغتشاش و بی‌نظمی می‌کشند تا ذهن افراد را آزمایش کنند و چیزهایی شبیه این. و همه‌اش این نیست. مثال‌های زیاد دیگری وجود دارد. نیازی به گفتن نیست، آنچه در چین اتفاق افتاده حتی شدیدتر است. نمایش‌های شرارت در شکنجه و آزار، به عنوان بخشی از چنین طرح‌هایی توسط نیروهای کهن نظم و ترتیب داده شدند. هدف آنها موفقیت چیزهایی است که طرح‌ریزی کرده‌اند، و اینکه بگذارند آن مریدان دافایی که آنها فکر می‌کنند قابل قبول هستند تا کمال تزکیه کنند. اما آنها هیچ توجهی به این موضوع نمی‌کنند که چه کسی می‌تواند به کمال برسد و چه کسی نمی‌تواند. فقط این برایشان مهم است که آنهایی که قادرند در طی شکنجه و آزار در حد استاندارد باشند به کمال برسند، و اینکه آنچه را که آغاز کردند به انجام برسانند.

همان‌طور که شکنجه و آزار روی داده است، به دقت در حال مشاهده بوده‌ام. برخی تمرین‌کنندگان واقعاً از درس‌ها یاد نمی‌گیرند. همین که فردی از اردوگاه کار اجباری آزاد می‌شود، وابستگی‌اش به خودنمایی و تفکر بشری‌اش دوباره ظاهر می‌شود. حتی وقتی یک فرد عادی از میان چیزی عبور می‌کند از آن درس می‌گیرد و کمی درباره آن تأمل می‌کند. پس، حتی بیشتر اینطور است که یک تزکیه‌کننده باید سعی کند پی‌ببرد که چرا نیروهای کهن از شکاف‌های او استفاده کردند. شما باید پی‌ببرید که مشکل‌تان چیست. اینجا در کنفرانس فادر درباره این مسائل بیشتر صحبت نمی‌کنم. وضعیت در چین پیچیده است. انواع ذهنیت‌های بشری و انواع تضادها وجود دارد، و اینها در آن محیط پیچیده به روش‌های بسیار زیادی در حال تغییر هستند. شما واقعاً باید با جدیت درون‌تان را جستجو کنید، و فرصت‌های سوءاستفاده نیروهای کهن از شکاف‌هایتان را به حداقل برسانید.

اکنون درباره برخی مسائل دیگر صحبت می‌کنم.

همان‌طور که ممکن است بدانید، اخیراً آن‌تی‌دی‌تی‌وی، که پروژه‌های آغاز شده توسط مریدان دافا به منظور روشن‌گری حقیقت است، دستخوش تغییراتی شد. فکر می‌کنم این کاملاً طبیعی است. خیلی از شاگردان درباره آن صحبت می‌کنند. وقتی رویکردها و ایده‌های خوبی وجود دارد که به کسب نتایج خوب در کارهایی که مریدان دافا باید انجام دهند و در پروژه‌های روشن‌گری حقیقت، کمک می‌کند، بیایید با آنها همراه شویم. اینها همگی کاملاً طبیعی است. ولی برخی تمرین‌کنندگان در نقش‌های روزانه خود خیلی خوب عمل نمی‌کردند یا حتی نظری منفی درباره هماهنگ‌کننده سابق پروژه داشتند، اما [وقتی که تغییرات روی داد،] سعی کردند پیش او خوش‌خدمتی کنند. در ابتدا هماهنگ‌کننده سابق در خصوص [تغییراتی که در حال انجام بود] در آرامش و کاملاً آرام بود؛ او را در جریان گذاشته بودم و درباره موضوع با او صحبت کرده بودم. اما بعد برخی افراد نزد او رفتند و شروع به شکایت کردند، چیزهایی شبیه این گفتند، "ما که آن قدرها بد نبودیم، مگر نه؟ چطور توانستند به همین سادگی شما را عوض کنند؟" (استاد آرام می‌خندند) البته، هر چه باشد یک تزکیه‌کننده امور را به طور متفاوتی اداره می‌کند: به محض اینکه با هماهنگ‌کننده سابق درباره این صحبت کردم، او بلافاصله متوجه شد.

برای تزکیه‌کنندگان این موضوع وجود دارد که به چیزهایی که استاد می‌خواهد انجام دهید چگونه پاسخ می‌دهید. اگر استاد بخواهد چیزی به روش خاصی انجام شود، قطعاً دلیل محکمی وجود دارد. آیا شما اینجا نیستید تا به استاد کمک کنید که فادر اصلاح کند؟ پس چرا با آنچه استاد خواهان انجامش است همکاری نمی‌کنید و با آن هماهنگ نمی‌شوید، به جای اینکه بروید و در عوض کارهایی انجام دهید که نباید انجام دهید؟ و چیزهایی بگویید که نباید گفته شود؟ آیا شما یک تزکیه‌کننده هستید؟ آیا مرید من هستید؟ آیا هنوز هم مرا استاد می‌نامید؟

آیا این را در نظر گرفته‌اید؟ اندکی پیش درباره‌ی شن یون و موفقیتش صحبت می‌کردید. قبلاً گفته‌ام که تاریخ بشر قرار بود در سال ۱۹۹۹ خاتمه یابد. وقتی مردم هنگام رسیدن به سال ۲۰۰۰ جشن بزرگی داشتند، دریافتم که سمت آگاه افراد بود که جشن می‌گرفت. گذر کردن از آن زمان، داشتن امید نجات، واقعاً چیزی بود که ارزش جشن گرفتن را داشت. اما آیا زمان می‌تواند به این شکل به‌طور نامحدود بسط یابد؟ اگر سببی تا مغز و هسته‌اش پوسیده باشد و شما آن را آنجا رها کنید، آیا این عملی است؟ وقتی کرم‌هایی در همه جای آن می‌خزند و بوی بدی می‌دهد آیا می‌توانید هنوز آن را همانجا رها کنید؟ واقعاً چقدر زمان باقیست؟ مردم در تاریخ اخیر در حال صحبت درباره‌ی این موضوع بوده‌اند. به عبارت دیگر، مردم نگران هستند. اگر از من بپرسید، مدت‌ها قبل به مریدان دافا گفتم که دقیقاً به خاطر اینکه کیهان از میان اصلاح فایده‌ها عبور می‌کند، این مکان مرکز اصلاح فایده شده است و اینجا مریدان دافای بی‌شماری در حال اعتباربخشی به فایده هستند - و به همین خاطر است که زمان به درازا کشیده شده است. پس به بیان دیگر، دافا است که آن را حفظ کرده است. به چه منظور؟ تا به مردم یک فرصت دیگر داده شود. آن نگاه داشته شده تا مریدان دافا بتوانند مردم را در اینجا نجات دهند. فقط به این نگاه نکنید که چگونه ما اینجا پیوسته سختی‌هایی را تحمل می‌کنیم.

برخی شاگردان اظهار می‌کنند که آن را تحمل می‌کنند و قدری بیشتر آن را تحمل می‌کنند. بس کنید این "تحمل کردن" را! وضعیت هر اندازه سخت باشد، شما هنوز باید سه کار را به خوبی انجام دهید. نجات موجودات ذی‌شعور - این است مسئولیت یک مرید دافا! کمال یک مرید دافا مطلقاً فقط کمالی فردی نیست. بلکه، باید اینطور باشد که در نجات موجودات ذی‌شعور، شما موجودات بی‌شماری را به کمال هدایت کرده‌اید. این برای هر یک از شما صدق می‌کند! (تشویق) پس اگر اینگونه است، درباره‌اش فکر کنید، آیا ما نباید در طی این دوره تاریخی در حال ایفای نقش اول باشیم؟

استاد با هدایت همه شما در انجام شن یون، در واقع در حال ارائه الگویی به شماست. من شن یون را بهترین نمایش در جهان ساخته‌ام. دست کم اینکه، در هنرهای نمایشی، در حوزه هنر، نقش اول را ایفا می‌کند. آن وقت درباره سایر پروژه‌هایمان چطور؟ وقتی آنچه که انجام می‌دهید به مختصر موفقیتی دست می‌یابد، خیلی احساس رضایت می‌کنید. اما آیا شما [در حوزه خود] در حال ایفای نقش اول هستید؟ شما حتی نتوانسته‌اید نقشی کمکی را ایفا کنید، و برخی نقش یک دلکچ را ایفا می‌کنند! آیا این چیزی است که مریدان دافا باید انجام دهند؟ آیا این چیزی است که استاد از شما خواسته است انجام دهید؟ برخی از ما می‌گوییم، "ما بودجه کافی نداریم، برای همین نمی‌توانیم پروژه را پیش ببریم." اما علتش این است که در آن به خوبی عمل نکرده‌اید. شما آن را به عنوان چیزی که مریدان دافا واقعاً می‌بایست انجام دهند، به عنوان یک شرکت واقعی که اداره کنید در نظر نگرفتید. یک شرکت رسانه‌ای بین‌المللی در صورتی که چند صد میلیون دلار سرمایه در گردش نداشته باشد یک شرکت بزرگ به حساب نمی‌آید. البته، وقتی آن را به این صورت بیان می‌کنم برخی افراد مطمئناً احساس فشار می‌کنند. نمی‌گوییم که اگر به این دست نیابید غیرقابل قبول است. صرفاً از نظر اصول و قواعد درباره آن صحبت می‌کنم، و اینکه ما باید اینگونه به امور پردازیم.

چگونه است که برخی افراد وسعت فکرشان تا این حد کوچک است؟ چگونه فکرشان می‌تواند از نظر وسعت این قدر محدود باشد؟ اگر شرکت رسانه‌ای که آن را اداره می‌کنید واقعاً می‌توانست در جریان اصلی جامعه به خوبی پا بگیرد و واقعاً یک شرکت رسانه‌ای جهانی شود، درباره‌اش فکر کنید، آیا در افشای شرارت و هدایت بشر در مسیری مثبت، تأثیر بسیار عظیمی نمی‌داشت؟ و چه اندازه در نجات موجودات ذی‌شعور قدرتمند می‌بود؟ شما به این دست نیافته‌اید و در عوض، اغلب امیدوارید که رسانه‌های عادی کاری برای ما انجام دهند! رسانه‌های مردم عادی آن را برای شما انجام نمی‌دهند، چون آنها توسط مریدان دافا اداره نمی‌شوند. شما باید که در حال اعتباربخشی به فایده نیستید نه مردم عادی. بنابراین مسئله اینجاست. بعضی اوقات می‌خواهید که رسانه‌های مردم عادی کاری برای شما انجام دهند، و آنها عکس آن را انجام می‌دهند، درست است؟

درباره موضوع شن یون کمی بیشتر می‌گوییم. شاگردان زیادی این ایده را دارند که استاد است که این تلاش را هدایت می‌کند. واقعیت این است که استاد در حال ارائه نمونه‌ای به شماست، در حالی که کارهای بسیار بیشتری باید توسط شما انجام شوند. اما من در هر قدم از مسیر برای پیشرفت شن یون طرح و برنامه‌ای دارم.



در آغاز کار، اینکه یک شرکت هنرهای نمایشی در جامعه به خوبی پا بگیرد و جا بیفتد، کار ساده‌ای نیست. و این مخصوصاً در مورد ما صدق می‌کرد، چون ما در آمریکا افرادی چینی و یک اقلیت قومی هستیم. حتی شرکت‌های هنرهای نمایشی آمریکایی نیز به ده‌ها سال نیاز دارند تا از سوی عموم به رسمیت شناخته شوند و از مرحله چالش و سختی گذر کنند. پس چه باید می‌کردیم؟ استاد از این رو از تعداد زیادی از مریدان دافای هر منطقه‌ای خواست تا درگیر شوند، تا با هم فعالانه بر روی آن کار کرده و شن یون را به موفقیتی بزرگ تبدیل کنند. خوب، این یکی از دلایل [موفقیت آن] است.

دیگری این است که ما باید از کیفیت برنامه اطمینان حاصل می‌کردیم. به همین دلیل است که به دقت در حال نظاره تأثیر مستقیمی که بر حضار داریم بوده‌ام. یک رقص پرداز گرایش دارد که تأثیر را از منظر رقص مورد توجه قرار دهد، و برای او سخت است که در نظر بگیرد حضار چگونه آن را می‌نگرند. رهبر یک ارکستر گرایش دارد که به ارائه ارکستر توجه داشته باشد. و آنهایی که نور و صدا را اداره می‌کنند، به‌طور مشابه، گرایش دارند که برداشت‌های ناکامل خود را از موضوعات داشته باشند. من فرق دارم. مستقیماً به این نگاه می‌کنم که کل این چیز چه تأثیری بر حضار دارد، و اینکه آیا نیرویی که در نقاط گوناگون برای هر بخش به کار گرفته می‌شود به اندازه مناسب و کافی هست، به‌طوری که اطمینان حاصل شود که اجرا به صورت کل به تأثیر مطلوب بر مخاطب دست می‌یابد.

بنابراین، با ارتقای کیفیت برنامه و تلاش مشترک تمرین‌کنندگان همه نواحی، و با توجه به اینکه تزکیه‌کنندگان این کارها را انجام می‌دهند، هر چیزی که به نمایش درمی‌آید خوبی و زیبایی خالص است، و علاوه بر این، انرژی مثبت قدرتمند تزکیه‌کنندگان را در خود دارد. هر چه باشد مریدان دافا به اینجا آمدند تا موجودات ذی‌شعور را نجات دهند، بنابراین هر کاری باشد که مریدان دافا انجام می‌دهند نباید بیهوده انجام شود و باید برای نجات مردم مسئول باشیم. البته، این چیزها در نمایش به‌طور بسیار برجسته‌ای روی می‌دهند. خیلی از حضاران می‌توانند حس کنند یا ببینند که موجودات خدایی بر روی صحنه در حال مشارکت هستند. در مورد سایر پروژه‌هایی که مریدان دافا روی آنها کار می‌کنند، در واقع باید به همین صورت باشد: شما باید با جدیت کار کنید و به خوبی عمل کنید. نگاه کنید که چگونه در عرض فقط چند سال کوتاه، شن یون به یک پدیده تبدیل شده است.

در واقع، شن یون از همان سال اول خوش درخشید، طوری که آن موقع مردم آن را یک شگفتی نامیدند. در آغاز در نظر داشتیم که هر سال دو تولید متفاوت داشته باشیم. یکی "شگفتی‌های عید" بود که قرار بود نمایشی برای ایام کریسمس باشد. و بعد [تولید دیگری] برای سال نو چینی وجود می‌داشت. به این ترتیب هر سال دو تولید متفاوت وجود می‌داشت. اما چون وقتمان بسیار تنگ بود و این انجام‌پذیر نبود، اکنون فقط یک نمایش داریم. در عرض فقط چند سال، تأثیر چشمگیری وجود داشته است. این به خاطر همکاری مریدان دافا و همین‌طور بسیاری از عوامل دیگر است.

به هماهنگ‌کننده اصلی ایستگاه تلویزیون گفتم که اگر یک شرکت رسانه‌ای پیشرفت حرفه‌ای کارکنانش را جدی نگیرد، نمی‌تواند کیفیت محصولش را بهبود بخشد، و سطح حرفه‌ای آن در حد استاندارد نخواهد بود، که قابل قبول نیست. برای هر سیستم کاری رسانه‌ای بزرگ، این چیزی است که باید بر آن تأکید شود.

وقتی که شن یون را آغاز کردیم پی بردم که اگر بخواهیم شن یون را بهترین سازیم، اولین کاری که باید انجام دهیم پرورش اجراگران آن است. بنابراین مدرسه‌ای دایر کردم و به‌طور کامل موضوع اجراگران را مورد رسیدگی قرار دادم. ما سریع بودیم، و در عرض مدت کوتاهی رقصندگان مان را تعلیم دادیم. در آن زمان تکنیک آنها به اندازه امروز پیشرفته نبود؛ اکنون بیشتر و بیشتر عالی می‌شود. خیلی از اجراگران ما رقصندگانی در سطح جهانی شده‌اند. (تشویق) به همین خاطر است که اجراهای ما می‌توانند چنان تأثیر عظیمی داشته باشند. ما در زمینه‌های دیگر نیز مدام در حال حرفه‌ای‌تر شدن هستیم. البته، ارکسترهای شن یون نیز به‌طور قابل توجهی در حال رشدند. قصد دارم که ارکسترها را نیز [ارکسترهایی] در سطح جهانی سازم. (تشویق) و به حرفم عمل می‌کنم. (استاد آرام می‌خندد، حضار تشویق می‌کنند). ما سخت روی آن کار می‌کنیم. سال قبل برای یک اجرای ارکستر

سمفونی که در کارنگی هال نیویورک بود، سه ارکستر ما با هم ترکیب شدند. این کنسرت عالی پیش رفت، و اعضای ارکستر اعتمادبه‌نفس تازه‌ای پیدا کردند. ارکسترها نیز قطعاً موفق خواهند شد.

مشارکت من در شن یون، در واقع، بدین منظور است که به هر یک از پروژه‌ها نشان دهم که استاد چگونه آن را انجام می‌دهد. همچنین، ایده دیگری در ذهن دارم. از آنجا که تمرین‌کنندگان بسیار زیادی در هر ناحیه در ترویج شن یون درگیر می‌شوند، بر سایر پروژه‌ها تأثیر می‌گذارد. این وضعیت باید تغییر کند. هم‌اکنون مسائل بسیار تغییر کرده‌اند. در فصلی که از سال گذشته تا امسال ادامه داشت، افراد خیلی زیادی درگیر نبودند. خیلی از نواحی اکنون قادرند که از افراد بسیار کمی استفاده کنند. به منطقه نیویورک گفته‌ام که تعداد افرادی که استفاده می‌کنند را به حداقل برسانند. وقتی هزاران نفر را دارید که روی فروش بلیت‌ها کار می‌کنند، در پایان هیچ تقوای عظیمی در کار نخواهد بود، چون فقط این تعداد از مردم در جمع حضار هستند. در بعضی نواحی فقط سه یا چهار نفر توانستند چندین نمایش را پوشش دهند، و همگی به طور کامل پر شده بود. فکر کنید که این تقوای عظیم چه اندازه زیاد است! بنابراین، در زمان پیش رو، از افراد کمتر و کمتری استفاده خواهد شد. گذشته از این، محاسباتی صورت گرفت، و در خیلی از مناطق وضعیت مشابهی بود: بیش از هشتاد درصد از مخاطبان پس از دیدن یک تبلیغ آمدند. بنابراین، فقط نیاز داریم که از عده کمی از افراد استفاده کنیم و در تبلیغات به خوبی عمل کنیم، و همه چیز روبراه خواهد بود. در این جهت حرکت می‌کنیم.

چیزی که هم‌اکنون درباره آن صحبت کردم دو موضوع مشخص بود. شنیدم که قسمتی از افراد حاضر در اینجا از سرزمین اصلی چین هستند. برخی شاگردان قبلاً شنیده‌اند که فا را آموزش دهم، اما اکثریت بیشتر شاگردان در سرزمین اصلی هرگز شنیده‌اند فا را آموزش دهم، و می‌دانم که فرصت دیدن استاد برای آنها سخت به دست می‌آید. بنابراین کمی بیشتر صحبت می‌کنم. (تشویق پرشور)

بگذارید از همان روش استفاده کنیم، که استاد به پرسش‌ها پاسخ می‌گوید. (تشویق) اکنون می‌توانید شروع کنید و برگه‌های پرسش خود را به بالا بفرستید.

اگر بنشینم نمی‌توانید مرا خیلی خوب ببینید، بنابراین فکر می‌کنم ایستاده بمانم. (تشویق)

بسیار خوب، بگذارید پرسش‌ها را به بالا بفرستیم.

سعی کنید فقط پرسش‌های مربوط به تزکیه را بپرسید. درخصوص اینکه شخصاً اینجا یا آنجا احساس خوبی ندارید... (حضار می‌خندند) می‌بینید، همه دارند می‌خندند. آنها آزمایش‌هایی هستند که شما باید بگذارانید.

مرید: *مریدان دافا در زندگی روزانه درباره غذاها در دنیای امروز که به واسطه فرایندهای صنعتی آلوده شده‌اند چه باید کنند؟* (همه می‌خندند) (استاد آرام می‌خندند)

**استاد:** این واقعاً این روزها یک موضوع است. علم نوع بشر کاملاً سطحی است. در ظاهر به نظر می‌رسد که اصلاحات ژنتیکی می‌تواند آسیب ناشی از آفات بر محصولات را کاهش دهد، و حتی ممکن است که به نظر برسد بازده محصول را افزایش می‌دهد. اما این دنیا در واقع توسط موجودات خدایی خلق شد، و غذاهای بشر توسط آنها ایجاد شد. برنامه‌ریزی شد که گردش طبیعی بین چیزها در دنیای طبیعت و بدن انسان وجود داشته باشد، به گونه‌ای که هر یک از دیگری استفاده کند. و در جریان این گردش، چیزها می‌توانند به سطوح بالاتر صعود کنند. کل جهان یک سیستم گردشی است. اگر چیزهای اینجا منحرف و ناخالص شوند، نه فقط بر اجتماع انسانی بلکه بر اجتماعات در سطوح بالاتر نیز تأثیر می‌گذارد. و علاوه بر این، چیزهای منحرف می‌توانند باعث شود که بدن بشری از شکل بیفتد.

قبلاً به شما گفتم که نوع بشر در واقع در طول زمانی به درازای دو زمین بقا داشته است. هنگامی که نوع بشر به دوره آخر از زمین قبلی رسید، مردم نامتناسب و عجیب به نظر می‌رسیدند. بعضی‌ها سری بزرگ داشتند، بعضی‌ها پاهای کوتاه، بعضی‌ها یک

دست‌شان بلندتر از دیگری بود و بعضی‌ها اجزای صورتشان نقص داشت. آنها به‌واسطهٔ مسمومیت، زشت شده و از شکل افتادند. این به‌واسطهٔ اصلاحات ژنتیکی و آلودگی صنعتی بود.

میریدان دافا تزکیه‌کننده هستند. بدن سطحی بشر امروزی ذاتاً آلوده شده است. و علاوه بر این، کارمای بسیاری در سطح وجود دارد. در روند تزکیه قرار است این چیزهای بد را زدوده و ذهن و بدنتان را پاک کنید. حتی هر چیزی که ناقص یا آسیب‌دیده است می‌تواند جبران شود. هنگامی که به جایگاه‌تان برمی‌گردید، باید به استاندارد یک بدن خدایی برسید. بنابراین نباید مشکلی وجود داشته باشد. تا زمانی که تزکیه کنید، این موضوعی نیست. بدن بزرگسالان بلافاصله از شکل نمی‌افتد، اما [این غذاها] می‌تواند باعث ریزش مو شود. تأثیر آن اندک است. با این حال، تأثیر بر نسل‌های آینده عظیم است. اما تا آنجایی که فردی یک تزکیه‌کننده باشد، خواه یک کودک باشد یا یک بزرگسال، مشکل در واقع در روند حل شدن است؛ بدن شما، خواه آلوده شده باشد یا نه، در حال تبدیل است.

میرید: ما میریدانی تایوانی هستیم که فا را چندین سال پیش کسب کردیم. من به همراه شوهرم که یک تمرین‌کننده است، به استاد و فا باور داشته‌ام و سعی کرده‌ام که سه کار را به خوبی انجام دهم. می‌دانم دافا برای شفای بیماری نیست، و می‌دانم که سلول‌های یک تزکیه‌کننده توسط مادهٔ با انرژی بالا تبدیل می‌شوند. با این وجود، هنوز از تفرس در رنج هستیم. آن قبل از اینکه فا را کسب کنم شروع شد. اخیراً مفاصلم خیلی درد گرفته‌اند. (افراد می‌خندند)

**استاد:** (آرام می‌خندند) تزکیه‌کنندگان می‌دانند تا زمانی که کوشا باشید، تغییرات در بدن‌تان در حال روی دادن است و استاد چیزها را برایتان تنظیم خواهد کرد. آن توسط این بدن بشری استاد در اینجا انجام نمی‌شود. توسط بدن‌های قانون استاد انجام می‌شود. اگر این مشکل از زمان شروع تزکیه شفا نیافته باشد، واقعاً باید سعی کنید که مشکلات شین‌شینگی را در سمت خود پیدا کنید، ببینید که آیا نوعی وابستگی دارید، و دریابید که به چه صورت‌هایی نیاز دارید که بهتر تزکیه کنید. این واقعاً موضوعی از تزکیهٔ شخصی شما است. (تشویق)

میرید: درود از طرف میریدان دافا در ناحیهٔ کوهستان پینگ‌دینگ از استان هنان.

**استاد:** (آرام می‌خندند) اجازه دهید بالا فرستادن درودها را متوقف کنیم. استاد می‌داند که چه احساسی دارید.

میرید: ما میریدان دافایی مسن هستیم و مدت خیلی زیادی نیست که به ایالات متحده آمده‌ایم. خیلی آرزو داشتیم شما را ببینیم و آموزش فای شما را بشنویم، اما به دلایل فراوان نتوانستیم آرزویمان را به واقعیت تبدیل کنیم. برای همین از یک تمرین‌کننده که در کنفرانس فا شرکت می‌کند خواستیم تا درودمان را برساند. میریدان دافای شهر چانگشا.

**استاد:** نیازی نیست اینها را به بالا بفرستید. استاد می‌داند. (استاد لبخند می‌زند)

میرید: استاد، لطفاً در حین آموزش دادن فا بنشینید. الان یک ساعت است که ایستاده‌اید...

**استاد:** مسئله‌ای نیست.

میرید: در تاییه نتوانسته‌ایم معتبرترین تالار یعنی تئاتر ملی را برای اجراهای شن یون زررو کنیم. آیا علتش این است که ما میریدان خیلی سخت تلاش نکرده‌ایم؟

**استاد:** تئاترهای خوبی در تایوان وجود دارند که در تاییه نیستند. اما به نظر می‌رسد هیچ یک از تئاترها در تاییه خیلی خوب نیستند. حتی تئاتر ملی نیز می‌تواند فقط حدود نهمصد نفر را در خود جای دهد، بنابراین واقعاً مهم نیست که آیا آن را اجاره می‌کنیم یا خیر. بنابراین از افراد درخواست نکردم که بر اجاره کردن آن اصرار داشته باشند.

میرید: به نظر نمی‌رسد روشی که نسخه‌تایوان اپک تایمز حزب شیطان‌ی را افشا می‌کند خیلی مورد پسند واقع شده باشد. آن در حال حاضر به‌طور گسترده‌ای مورد پذیرش مردم تایوان قرار نگرفته است. ممکن است لطفاً به من بگویید چه باید کنیم؟

**استاد:** می‌توانید به آنها پیشنهادهای بدهید. این احتمالاً تمام کاری است که می‌توانید انجام دهید. (استاد آرام می‌خندند)

میرید: ما دقیقاً چه تعداد از موجودات ذی‌شعور را نجات داده‌ایم؟ درصد به چه صورت است؟

**استاد:** چه تعداد از مردم از حزب خارج شده‌اند؟ تقریباً تمام افرادی که حقایق را برایشان روشن کرده‌اید در میان کسانی هستند که از حزب خارج شده‌اند. اما تضمینی نیست که هر فردی که از حزب خارج شده است هرگز در شکنجه و آزار مریدان دافا درگیر نخواهد شد. با این وجود، برخی افراد واقعاً قلباً خارج شده‌اند. اما به هر صورت، وقتی فردی قصد [خارج شدن] را ابراز می‌کند، موجودات خدایی کمک می‌کنند که به موضوعات مربوطه رسیدگی به عمل آید. یکصد و سی میلیون چینی اکنون از حزب خارج شده‌اند، اما حزب پلید این تعداد عضو ندارد. این رقم شامل افرادی که از حزب، از اتحادیه [جوانان کمونیست] و از پیشگامان جوان خارج شده‌اند و همچنین بازنشستگان است.

میرید: قبلاً، در چین، در روشنگری حقایق یا تزکیه شخصی به خوبی عمل نمی‌کردم. در این سال‌ها که در خارج از چین زندگی می‌کردم، اغلب درباره‌ی افرادی فکر می‌کنم که فرصت روشنگری حقیقت برای آنها را از دست دادم اما باید آن را انجام می‌دادم. امیدوارم که بتوانم با برگشتن و روشنگری حقیقت برای آنها، پشیمانی خود را جبران کنم. اما در ذهنم همیشه کلمه "ترس" وجود دارد.

**استاد:** در تزکیه، اگر فردی بتواند استوار، با اعتماد به نفس و روراست باشد، مطمئناً مداخله کمی وجود خواهد داشت. فکر نکنید که، "خوب، اگر استاد اینطور می‌گوید من می‌روم." اگر بعد از اینکه برگشتید بازداشت شوید چه؟ فقط برای اینکه از نظر تزکیه درباره‌ی امور صحبت کرده باشیم، شما باید حقیقتاً در ذهنتان ترسی نداشته باشید، با اعتماد به نفس و روراست باشید، آنچه باید انجام دهید را انجام دهید، به شکلی با وقار و با ابهت در مسیر الوهیت ادامه دهید، و نترسید. پلیس‌ها نیز موجوداتی هستند که در انتظار نجات‌اند. "اگر بیایند، به آنها حقیقت را ارائه می‌دهم" — واقعاً برخی مریدان دافا هستند که به این صورت عمل کرده‌اند. آنها پلیس را به تحسین واداشته‌اند، که حتی هنگام رفتن به آنها گفته‌اند "مراقب خودتان باشید!" واقعاً فوق‌العاده. (تشویق) اما حالا که خارج از چین هستید، صرفاً آنچه را که باید انجام دهید به خوبی انجام دهید و یکسان است.

میرید: سلام استاد. من درک می‌کنم که اصل - فای - همکاری بی‌قید و شرط" بدین معنی است که باید هر آنچه را که هماهنگ‌کننده می‌گوید انجام دهید. پرسش من این است که اگر در لحظه‌ی حیاتی برای یک پروژه، هماهنگ‌کننده نگوید که چه باید انجام شود چگونه قرار است همکاری کنیم؟ (حاضر می‌خندند)

**استاد:** بعضی اوقات هماهنگ‌کننده قبل از تصمیم‌گیری درباره‌ی اینکه کدام ایده برای اتخاذ کردن خوب است ابتدا به ایده‌های دیگران گوش می‌کند. این اتفاق می‌افتد. اما، برخی از افراد مسئول هستند که هرگز هیچ نظری درباره‌ی امور ندارند. آنها هرگز هیچ ایده‌ای ندارند، و هرگز قلبشان را برای آن نمی‌گذارند. آن وقت این واقعاً رضایت‌بخش نیست. استاد مریدان دافای بسیار زیادی را به دست شما سپرده است، و انتظار دارد که آنها را به خوبی هدایت کنید. بنابراین این کاری است که باید انجام دهید، و این مسئولیت شما است. اگر آن را به خوبی انجام ندهید مستقیماً به تزکیه‌تان مربوط است.

میرید: آیا اصل - فای - همکاری بی‌قید و شرط" شامل این نیز می‌شود که در لحظه‌ی حیاتی برای یک پروژه، هماهنگ‌کننده باید جرأت این را داشته باشد که درباره‌ی مسیر آن پروژه تصمیم‌گیری کند؟

**استاد:** البته که اینگونه است، چون در غیر این صورت چگونه هر یک از ایده‌های خوب شما می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد؟

وقتی در ابتدا شن یون را آغاز کردیم، کم نبودند مریدان دافایی که در این هنر دست‌اندرکار باشند. یکی به من می‌گفت، "استاد، باید آن را اینطور انجام دهیم،" در حالی که فردی دیگر همین مطلب را درباره‌ی ایده‌ی خودش اظهار می‌کرد. یک نفر می‌گفت که چیزی اینگونه است، در حالی که فردی دیگر به من چیزی دیگر می‌گفت. همه‌ی آنها معقول به نظر می‌رسیدند، و آنها حتی مثال‌های فراوانی ارائه می‌کردند. تقریباً همه‌روزه افرادی بودند که ایده‌هایشان را به من اعلام می‌کردند. چیزی که فکر می‌کردم این بود که، "من فردی هستم که این کار را انجام می‌دهم، بنابراین هیچ فرد و هیچ حرفی نمی‌تواند مداخله کند، و من خیلی خوب می‌دانم که چگونه باید آن را انجام دهم. اگر هماهنگ‌کننده‌ی هر پروژه‌ی عادی‌ای بود واقعاً نمی‌توانست ایستادگی کند." او، برخی واقعاً خیلی مصر بودند و واقعاً دفع کردنشان سخت بود. اما اگر به عنوان یک هماهنگ‌کننده بر مسیر خود مصمم نباشید، واقعاً نمی‌توانید هیچ چیزی را به انجام برسانید.

مرید: در حال حاضر بعضی از کشورها هنوز از الزامات شن یون در اداره کردن امور مالی پیروی نکرده‌اند. ممکن است لطفاً استاد مجدداً در این باره صحبت کنند؟

**استاد:** قرار است یک جلسه‌ی شن یون برگزار شود، و اینها چیزهایی هستند که باید به خوبی اداره شوند. مریدان دافا قرار است این نوع مسائل [پولی] را سبک بگیرند، زیرا تزکیه اولین اولویت است. اما اگر این نوع مشکلات اتفاق بیفتد، آنگاه تزکیه کردن سخت است. نیروهای کهن قطعاً کاری می‌کنند که تاوان آن را بدهید، و آن امتحانی خواهد بود که نمی‌توانید بگذرانید. مطمئن باشید که این اشتباه را مرتکب نمی‌شوید.

اگر شرایط مناسب نباشد، اگر برخی شاگردان سخت تحت تأثیر قرار بگیرند، یا اگر پروژه‌های دیگر با مشکل روبرو باشند و شما به‌طور نادرستی از وجوه [شن یون برای مصارف دیگر] استفاده کنید، آنگاه این مشکل بسیار بدی است. علت این است که همان‌طور که شما مریدان دافا به‌فا اعتبار می‌بخشید یا روی پروژه‌ای کار می‌کنید، شما در روند به کمال رساندن خود و پیمودن مسیر تزکیه هستید، و بنابراین باید هر چالشی را که با آن روبرو می‌شوید خودتان حل و فصل کنید تا آن گذراندن امتحان به حساب آید، درست است؟ هنگامی که آن را می‌گذرانید، تقوای عظیم است. اگر از پول افراد دیگر استفاده کنید، یا پول دیگران یا وجوه شن یون را حیف و میل کنید، آنگاه فرق می‌کند: مهم نیست برای پروژه چه انجام می‌دهید، هیچ تقوای عظیمی وجود نخواهد داشت. و نیروهای کهن از مشکل شما استفاده می‌کنند: "آیا در حال کمک به استاد هستی که فا را اصلاح کند یا استاد در حال کمک به تو است؟" علاوه بر این، حیف و میل کردن وجوه بدون اطلاع دیگران، یا در نظر گرفتن پول به عنوان پول خود، واقعاً چیزی است که شدیداً در تزکیه منع شده است، یک مشکل بسیار جدی. بنابراین، بعضی اوقات فکر می‌کنم: مطمئن باشید که هیچ یک از این نوع اشتباهات را مرتکب نمی‌شوید. استاد قصد ندارد بیش از حد بر این مسائل تأکید کند، و شخصاً برای من آنقدرها مهم نیست. اما واقعاً نگرانم هر کسی که چنین اشتباهاتی را انجام می‌دهد تمامی آن سال‌های تزکیه را بیهوده صرف کرده باشد. نیروهای کهن اهمیتی نمی‌دهند که شما شاگردی قدیمی، شاگردی جدید، یا یک هماهنگ‌کننده هستید—به‌طور مشابه ممکن است شما را نابود کنند.

البته، حقیقتاً همه‌ی شما واقعاً خوب عمل کرده‌اید، و هر کسی با دیدن موفقیت شن یون، که در نجات مردم قدرتمند است، به هیجان می‌آید. ذهن شما همگی در حمایت از شن یون است. می‌دانم که همگی به این صورت فکر می‌کنید.

مرید: مریدان دافا از شی‌آن به استاد درود می‌فرستند.

**استاد:** از همگی متشکرم. نیازی نیست درودهای بیشتری به بالا بفرستید.

مرید: من گزارشی برای نسخه‌ی تایوان اپک تایمز هستم. امسال با افراد زیادی از اقشار گوناگون جامعه از سرزمین اصلی چین روبرو شدیم که مشخصاً برای دیدن اجرای شن یون به تایوان آمده بودند. نه تنها بسیار تحت تأثیر قرار گرفتند، بلکه آرزو داشتند

که درودشان را به معلم نیکخواه و والا، معلم لی هنگجی، برسانند، و بالاترین تحسین‌شان را ابراز دارند. آنها صادقانه امیدوارند که استاد بتوانند به چین بازگردند و اینکه هنرهای نمایشی شن یون به زودی بتواند به این خانه که فرهنگی الهی‌وار در آن ارائه شده برگردد.

**استاد:** از آنها تشکر می‌کنم. من واقعاً خواهان آن هستم که شن یون در سرزمین اصلی چین اجرا داشته باشد. (تشویق) بگذارید ببینیم آیا زمان کافی باقی هست. اگر قرار باشد به سرزمین اصلی برویم، آنگاه سه یا حتی چهار شرکت نیز کافی نخواهد بود. چند وقت پیش، فردی در شرکت در حال محاسبه بود که اگر سه شرکت [فعلی] در چین اجرا می‌کردند، شصت سال طول می‌کشید که فقط مریدان دافا نمایش را ببینند (همه می‌خندند)، که همه آنها نمایش را ببینند. (تشویق) بنابراین، آن حضار بسیار زیاد خواهند بود. البته، از آنجا که می‌خواهیم موجودات ذی‌شعور را نجات دهیم، لازم است کاری کنیم که افراد عادی بیشتری برای دیدن آن بروند.

مرید: از طرف مریدان دافای پکن و تیان‌جین در چین، به استاد درود می‌فرستم و ادای احترام می‌کنم.

**استاد:** از همه متشکرم. نیازی نیست به بالا فرستادن درودها ادامه دهید.

مرید: (استاد: درودها در ابتدای عبارت را نمی‌خوانم.) من یکی از مریدان دافای چانگچون هستم. ما از سرمای سخت و گرمای شدید و باد و باران واهمه‌ای نداریم. در فرستادن افکار درست ایستادگی می‌کنیم. تا زمانی که شکنجه و آزار متوقف نشده باشد، افکار درست ما متوقف نمی‌شود و سه کار را به خوبی انجام می‌دهیم. استاد، لطفاً آسوده‌خاطر باشید.

**استاد:** از همه متشکرم. (تشویق) مریدان در زادگاه من واقعاً خوب عمل کرده‌اند. (تشویق)

مرید: (استاد: هم‌م، چه کنیم؟ باز هم درودهای بیشتر. آنها را بخوانم؟) مریدان دافا از شهرک یونگ‌لینگ شهرستان شین‌بین در شهر فوشونگ، استان لیائونینگ، به استاد نیکخواه و والا درود می‌فرستند.

**استاد:** از همه متشکرم.

مرید: چگونه باید برای رسانه‌های غربی و سازمان‌های حقوق بشر حقیقت را درباره شکنجه و آزار بهتر روشن کنیم؟

**استاد:** روشنگری حقیقت، این کاری است که می‌توانید در همه جا و برای هر کسی انجام دهید. به طور مشخص، نوعی دولت، سازمان و غیره را هدف قرار ندهید. این تفکر را نداشته باشید. اغلب دقیقاً بر اساس چنین تفکری است که مسیرتان مسدود می‌شود. همان‌طور که می‌دانید، ما در حال نجات مردم هستیم. و هنگام نجات مردم چه چیزی را نجات می‌دهیم؟ ذهن آنها را. پس، آن را صرفاً بر ذهن معطوف کنید، آن را بر افراد معطوف کنید. آن را بر یک نهاد یا سازمان معطوف نکنید. اگر واقعاً می‌خواهید نوعی سازمان را هدف قرار داده و حقیقت را برای آنها روشن کنید، می‌توانید بروید و این کار را انجام دهید. اما برای اینکه هنگام پرداختن به نجات مردم به نتایج واقعی دست یابید، باید پذیرای روشنگری حقیقت برای همه باشید. شما می‌توانید حقیقت را برای مردمی از هر موقعیت اجتماعی روشن کنید. تمام موجودات ذی‌شعور منتظر هستند.

مرید: مطمئن نیستم که چگونه باید افرادی را که مدت‌هاست خود را تمرین‌کننده وانمود کرده‌اند در حالی که با مریدان دافا هستند و عمداً در میان ما مشکل درست می‌کنند افشا کرده و در عین حال با نیکخواهی با آنها رفتار کرده باشم.

**استاد:** واقعاً، برخی افراد فکر می‌کنند که دافا خوب است و نمی‌خواهند آن را ترک کنند، اما آنها تزکیه نمی‌کنند و بنابراین عملاً در حال ایجاد مشکل بوده‌اند. آنها متوجه این نمی‌شوند. و برخی شاگردانی که تفکر بشری قوی دارند حتی دوست دارند که به

حرف‌های آنها گوش دهند. آنها دسته‌ای از افراد را به خود جذب می‌کنند و در مقابل آنها صحبت می‌کنند، طوری که تمام آنچه می‌گویند درک‌های بشری است و بر پایه فا نیست. این واقعاً ایجاد مشکل است. برای این افرادی که کوشا نیستند اما احساس می‌کنند که دافا خوب بوده و چیزی است که نمی‌توانند بدون آن زندگی کنند: امیدوارم که نگذارید این فرصت اعصار بی‌شمار از کنارتان رد شود؛ امیدوارم که بتوانید واقعاً و به‌طور محکم قدری تزکیه کنید و از آن منفعت ببرید؛ و فقط آنگاه وقت و زمانی که در میان مریدان دافا صرف کردید بیهوده نبوده است.

مرید: اگر یک مرید دافا خود را به خوبی تزکیه نکرده باشد، آیا اینطور است که بدون توجه به اینکه چه اندازه کار انجام می‌دهد، به هدف نجات موجودات ذی‌شعور دست نمی‌یابد؟

**استاد:** خیر، اینطور نیست. در واقع، این مرا به یاد اصلی می‌اندازد. برخی افراد- و مخصوصاً بسیاری از افراد در سرزمین اصلی چین- می‌گویند، "از آنجا که تو به خوبی عمل نکرده‌ای، حق نداری از من ایراد بگیری." ممکن است این کلمات برای شما صحیح به نظر برسند. "درست است، هر وقت خوب عمل کردی می‌توانی از من انتقاد کنی." این در واقع درست نیست. هیچ کسی کامل نیست. شاید آن فرد در زمینه‌ای کاستی‌هایی دارد، اما شاید در زمینه‌های دیگر کمی بهتر باشد. آن فرد هر کسی که باشد، تا زمانی که آنچه می‌گوید صحیح باشد، باید به او گوش کنید. مهم نیست که فکر می‌کنید او فرد خوب یا بدی است. فقط به این صورت صحیح است. بنابراین، مهم نیست که احساس می‌کنید در تزکیه به خوبی عمل کرده‌اید یا خیر، هنوز هم باید بروید و کارها برای روشنگری حقیقت را انجام دهید. (تشویق)

مرید: تمامی مریدان دافا در شهر تانگشان استان هبی به استاد درود می‌فرستند. از ۲۰ ژوئیه ۱۹۹۹، این همیشه یکی از نواحی در کل کشور بوده که به شدیدترین شکل مورد شکنجه و آزار قرار گرفته است. و سال گذشته دو مورد از شکنجه و آزار گسترده وجود داشت که زبان‌های عظیمی برای موجودات ذی‌شعور به همراه آورد. ممکن است لطفاً استاد این موضوع را روشن نمایند.

**استاد:** اگر بخواهم درباره‌اش صحبت کنم، از این گونه مسائل تعداد بسیار زیادی وجود دارد. امور در واقع در سراسر سرزمین اصلی چین بدین شکل هستند. اما، همان‌طور که استاد اکنون گفت، اگر مریدان دافای ما افکار درست قوی‌تری داشته باشند، بتوانند در شکنجه و آزار همانند یک تزکیه‌کننده عمل کنند، و وابستگی‌های بشری کمتری داشته باشند، آنگاه شکنجه و آزار کمتری وجود خواهد داشت.

هر چه وابستگی‌های بشری بیشتر باشند، دردسر بیشتری وجود خواهد داشت. برخی افراد هنوز درس نمی‌گیرند. اندکی پس از اینکه از اردوگاه کار اجباری خارج می‌شوند، انواع افکار بشری، شامل وابستگی به خودنمایی، دوباره شروع به آمدن می‌کنند. آنگاه این دردسر به وجود خواهد آورد، آیا اینطور نیست؟ نه تنها آن فرد برای آن رنج خواهد کشید، بلکه تمام محیط را تحت تأثیر قرار خواهد داد. برای همین است که اگر هر مرید دافا از عهده این برمی‌آید که به خوبی عمل کند، به شما می‌گویم، شکنجه و آزار ادامه نمی‌یافت، و مدت‌ها پیش تمام شده بود. (تشویق)

مرید: در برخی نواحی، فرد مسئول انجمن دافا هم‌زمان مسئول چیزهای بسیاری است، از جمله اپیک تایمز، ان‌تی‌دی‌تی‌وی، انجمن دافا، و گروه‌های پروژه روشنگری حقیقت. ما باید در همه چیز از او نظرخواهی کنیم.

**استاد:** واقعاً، برخی نواحی اینگونه هستند. اگر این واقعاً به علت کمبود نیروی انسانی است، پس نمی‌توان انتقادی کرد. اما، در مورد برخی نواحی، این واقعاً مشکل‌ساز شده است. حتی من هم دارم فکر می‌کنم: اگر فردی می‌توانست جای مرا بگیرد من بر روی شن یون کار نمی‌کردم. در اعتباربخشی به فا، باید بگذارید هر مرید دافا مسیر خودش را ببیماید و به آنها [فرصت‌هایی برای] تقوای عظیم بدهید. اگر کارهای بسیار زیادی را برای خودتان انباشته کنید، در واقع ممکن است که آنها را به خوبی انجام ندهید. از زاویه‌ای دیگر که نگاه کنیم، آیا وابستگی‌ها هستند که باعث شده‌اند کارها را بدین صورت انجام دهید؟ آن وقت این در

واقع یک مشکل در تزکیه است که بر آن غلبه نکرده‌اید. در خصوص خودم، من تمایل دارم که چیزها را رها کنم. می‌توانم هر چیزی را رها کنم. این چیزها به هر جهت به منظور آبدیده کردن افراد هستند، پس چرا چیزها را رها نکنیم؟ شما همگی تزکیه‌کننده هستید، و با فا در اینجا، چه چیزی برای ترسیدن وجود دارد؟ من مایلیم که هر چیزی را به دیگران واگذار کنیم، پس چرا شما نمی‌توانید؟ هدف من آبدیده کردن افراد است، پس چرا نمی‌گذارید که افراد دیگر آن را انجام دهند؟ (تشویق)

مرید: *مریدان دافای استان هیلونگ‌جیانگ دلتنگ استاد هستند. ما بر هر سختی‌ای غلبه کرده و سه کار را به خوبی انجام خواهیم داد. تحت راهنمایی شخص استاد، شن یون بهترین نمایش در جهان شده است. درک ما این است که، در حال حاضر، لازم است آن را با بالاترین استانداردهایمان اداره کنیم.*

**استاد:** اوه، شما درباره‌ی دی‌وی‌های شن یون صحبت می‌کنید. مریدان دافا در سرزمین اصلی می‌خواهند که بسته‌بندی زیبا و برازنده‌ای برای آنها درست کنند. آن را متناسب با توانایی‌ها و امکانات‌تان انجام دهید. از آنجا که بسیاری از تمرین‌کنندگان هنوز سختی‌های بسیاری را تحمل می‌کنند، اگر هر کسی می‌خواست آن را بدان صورت انجام دهد، بر زندگی روزانه‌ی عادی شما تأثیر می‌گذاشت. برخی تمرین‌کنندگان از خوردن و آشامیدن می‌گذشتند تا کمک مالی کنند. برای تمرین‌کنندگان مان سختی ایجاد نکنیم. همان‌طور که ممکن است بدانید، شن یون و کوهستان هرگز از تمرین‌کنندگان معمولی‌ای اهدایی قبول نکرده‌اند. اما همیشه برخی وجود دارند که اهداهایی انجام می‌دهند، و ما همیشه مجبوریم که آن را بازگردانیم. فقط از آنهایی که تاجر یا کاملاً ثروتمند هستند اهدایی قبول می‌کنیم. از دیگران که شغل عادی دارند قبول نمی‌کنیم.

مرید: *تحت اوضاع چین، چگونه می‌توانیم فرق بین معقول بودن و ترس داشتن را تشخیص دهیم؟*

**استاد:** در محیط سرزمین اصلی چین، اگر بتوانید واقعاً رها از هرگونه ترس باشید، می‌گوییم که این واقعاً قابل توجه است. آن فضای وحشت در واقع توسط نیروهای کهن ساخته شد، و بر اساس شرایط کنونی مریدان دافا ایجاد شده است. فرض کنید شما عاری از ترس باشید، آنها فکر خواهند کرد که آن [محیط] قادر نیست افراد را به اندازه‌ی کافی آزمایش کند. اگر ترسی نداشته باشید، همه چیز را بیهوده انجام داده‌اند، آیا اینطور نیست؟ آنها فقط می‌خواهند شما را بترسانند، و ببینند که آیا در این اوضاع شرارت‌بار، شهامت این را دارید که بر روی نجات مردم کار کنید. این کاری است که انجام داده‌اند.

افکار درست برخی شاگردان قوی‌تر است، بنابراین ترس کمتری دارند و خودشان را به روشی مطمئن‌تر، صالح‌تر و باوقارتر اداره می‌کنند. برخی افراد ترس بیشتری دارند، بنابراین خیلی خوب عمل نمی‌کنند. عده‌ی بسیار کمی از افراد هستند که کاملاً عاری از ترس هستند. در نواحی‌ای که چیزها خیلی شدید نیستند، عده‌ی بیشتری از این افراد وجود دارد. اما در مکان‌هایی که شرارت و فشار بسیار زیادی وجود دارد، عده‌ی خیلی کمی از آنها وجود دارد. اینطور نیست که اگر ترس دارید خوب نیستید. موضوع این است که به ترس‌هایتان غلبه کنید و سعی کنید با افکار درست قوی‌تر سه کار را به خوبی انجام دهید، و این خارق‌العاده است. (تشویق) از منظری دیگر که بیان کنیم، هر اندازه هم که هراسان باشید، اگر هنگام مواجهه با مسئولیت نجات موجودات ذی‌شعور احساس کنید که باید اقدامی انجام دهید، که بروید و مردم را نجات دهید، آنگاه این برجسته و قابل توجه است.

مرید: *هم‌اکنون افراد بسیار زیادی هستند که هنوز نجات پیدا نکرده‌اند. آیا ممکن است که از استاد خواهش کنم درباره‌ی اهمیت بهترین استفاده از زمان برای روشنگری حقیقت و ترویج "سه کناره‌گیری"، بیشتر صحبت کنند؟*

**استاد:** فکر نمی‌کنم لازم باشد درباره‌ی اهمیت آن زیاد صحبت کرد، اینطور نیست؟ این مسئولیت شماست که مردم را نجات دهید، و کاری است که هر مرید دافا باید انجام دهد. ممکن است بگویید، "من کاملاً خوب تزکیه کرده‌ام. کتاب را هر روز می‌خوانم، و تمرین‌ها را برای زمانی طولانی انجام می‌دهم." اما می‌گوییم که این تزکیه‌ی یک مرید دافای دوره‌ی اصلاح فا نیست؛ شما تزکیه نکرده‌اید. و چطور اینگونه است؟ زیرا مریدان دافا راهبان گذشته نیستند، که فقط به دنبال کمال فردی بودند. مریدان



دافا مأموریتی دارند، و برای همین است که "میریدان دافا" نامیده می‌شود. هدف شما کمال فردی‌تان نیست. این است که گروه بزرگی از حیات‌ها را به کمال هدایت کنید. بنابراین باید بروید و آن را انجام دهید. (تشیویق)

میرید: وضعیت ذهنی هم‌ترکیه‌کنندگان که از میان شکنجه و آزار شیطانی گذر کرده‌اند و آنهایی که مدتی خارج از چین زندگی کرده‌اند متفاوت است.

**استاد:** واقعاً، در خصوص افرادی که از سرزمین اصلی بیرون آمده و به آمریکا می‌آیند، متوجه شده‌ام که وقتی در خیابان راه می‌روند و مأموران پلیس غربی را می‌بینند، هنوز به نظر هراسان می‌رسند. و وقتی کلمات "فالون گونگ" را بر زبان می‌آورند نگرانند که دیگران چه فکری خواهند کرد. هنوز در درون آنها ترس بسیار زیادی هست. به علت اینکه برای زمانی طولانی در آن شرایط [در چین] بوده‌اند، به روش‌های غیرطبیعی با یکدیگر ارتباط برقرار کرده‌اند، و به علت اینکه رفتار و تفکر مردم آنجا از فرهنگ حزب شیطانی می‌آید، در نحوه رفتار این افراد تفاوت وجود دارد.

میریدان دافایی که خارج از چین زندگی می‌کنند چون مدت‌ها در اینجا زندگی کرده‌اند اکنون فراموش کرده‌اند که چه تفاوتی درباره مردم در چین وجود دارد. و مخصوصاً در این سال‌ها، تفاوت حتی بزرگ‌تر است. بنابراین متعجب می‌شوند، "چرا افرادی که از سرزمین اصلی می‌آیند این قدر عجیب و غریب‌اند؟" به‌ویژه، وقتی دروناً می‌ترسید، شاگردان خارج از چین احساس می‌کنند که هنگام صحبت کردن به اصل مطلب نمی‌پردازید. آنها را به شک می‌اندازد که آیا آن فرد یک جاسوس است. واقعاً اینطور احساس می‌کنند. اغلب به آنها می‌گوییم که در سرزمین اصلی، پس از مدت زیادی شکنجه و آزار و بودن طولانی در محیط فرهنگ حزب، مردم اینگونه می‌شوند، و جرأت نمی‌کنند افکارشان را با هیچ کسی در میان بگذارند. این طبیعی نیست. علتش این است که در آن اجتماع چین خطاها یا اشتباهات افراد مورد استفاده قرار می‌گیرد، به شما برچسب می‌زنند و مورد حمله قرار می‌گیرید. در خارج از چین چیزی شبیه این وجود ندارد و در تاریخ بشر نیز هرگز وجود نداشته است. فقط در اجتماع ح.ک.چ شیطانی به این صورت است. خارج از چین، وقتی دو نفر که حتی همدیگر را نمی‌شناسند با هم هستند، همه و هر چیزی درباره خانواده‌شان را به هم می‌گویند، به‌صورتی کاملاً باز و طبیعی.

بعضی اوقات اهالی سرزمین اصلی فکر می‌کنند که مردم خارج خیلی ساده‌لوح هستند، حتی همه چیز درباره موضوعات خانوادگی‌شان را به مردم می‌گویند. اما این رفتار طبیعی بشری است، آیا اینطور نیست؟ [این قبیل چیزها] بدین خاطر است که مردم چین توسط فرهنگ آن حزب پلید، توسط آن اجتماع، خراب شده‌اند؛ و ناشی از این می‌باشد که از میان جنبش‌های سیاسی آنجا گذشته‌اند. آنها پیوسته افکارشان را پنهان می‌کنند و از همه چیز می‌ترسند. آن ح.ک.چ شرور واقعاً بیش از حد شیطانی است! (تشیویق)

میرید: میریدان در انگلستان برای بیش از یک دهه در اعتراض آرام مقابل کنسولگری چین ثابت‌قدم بوده‌اند. در حال حاضر، میریدان نظرات مختلفی درباره آن دارند.

**استاد:** چیزی که فکر می‌کنم این است که، هر موردی که باشد، یک کارهایی که میریدان دافا برای اعتباربخشی به فا انجام می‌دهند مورد تأیید استاد است. و این شامل نشست آرام در بیرون کنسولگری نیز می‌شود، که به مردم دنیا کمک می‌کند که آگاه شوند و درک کنند، و باعث می‌شود رهگذران ببینند این افراد در حال شکنجه شدن هستند. این افشای شیطان است. فکر می‌کنم این کار بزرگی است که انجام داده‌اید و باید انجام شود. (تشیویق) در تمام مدت این رویکرد را تصدیق کرده‌ام. و مردم توجه می‌کنند که در مقابل کنسولگری هیچ کشوری چنین چیزی در حال روی دادن نیست. فقط برای رژیم ردل ح.ک.چ، پلید اتفاق می‌افتد. همیشه این رویکرد را تأیید کرده‌ام.

مرید: در سرزمین اصلی، وقتی بدن یک هم‌ترکیه‌کننده ناراحت است، در اغلب موارد علتش این است که نیروهای کهن در حال شکنجه و آزار فرد هستند، و ما همگی با افکار درست و نگاه به درون با آن مقابله می‌کردیم. بعد از بیرون آمدن از چین، وقتی بدن یک هم‌ترکیه‌کننده ناراحت است، آنها آن را به از بین بردن کارما نسبت می‌دهند. من از اصول فا درک خوبی از این ندارم.

**استاد:** در یک محیط شیطانی، مخصوصاً در چین، شیطان بسیار زیادی در بعدهای دیگر وجود دارد و آن شما را شکنجه و آزار می‌کند. در خارج از چین عوامل شیطانی آن قدر زیادی وجود ندارد، و فشار رفته است. در حال حاضر، خواه از بین بردن کارما باشد یا مداخله از طرف عوامل شیطانی، تمام آن کار نیروهای کهن است. کاملاً یکسان است— فقط نامشان فرق می‌کند. من مخالف تمام کارهایی هستم که نیروهای کهن انجام می‌دهند. هیچ یک از آنها را تصدیق نمی‌کنم. و حتی کمتر اینطور است که مریدان دافا باید مجبور به تحمل چنین زجرهایی شوند. (تشویق)

مرید: من فا را در سال ۲۰۱۰ کسب کردم. امروز اولین باری است که در یک کنفرانس فا حضور دارم، و اکنون این افتخار را دارم که شخصاً استاد را ببینم. لطفاً به من اجازه دهید که به نیابت از طرف خواهرم و دخترش به استاد درود برسانم.

**استاد:** متشکرم، متشکرم. استاد می‌داند.

مرید: استاد، مایلم بپرسم که چرا برخی مریدان سرزمین اصلی چین که شدیداً شکنجه شده بودند و به ایالات متحده آمدند درخواست‌شان برای پناهندگی سیاسی رد شد.

**استاد:** دو دلیل وجود دارد. دلیل اول این است که شاید هنوز برخی کارها در چین هست که باید انجام دهید اما هنوز انجام نداده‌اید. شاید افرادی هستند که قرار است نجات دهید اما هنوز نجات نداده‌اید؟ فقط از نظر اصول فا صحبت می‌کنم. نمی‌گویم که این لزوماً وضعیت شماس است. دلیل دیگر این است که، همان‌طور که می‌دانید، کارمندان مهاجرت ایالات متحده وقتی سوال می‌پرسند خیلی رک و صریح هستند. اما وقتی ما چینی‌ها صحبت می‌کنیم رک نیستیم. در سرزمین اصلی، وقتی ایده کلی منتقل می‌شود، مردم همگی متوجه می‌شوند— "اوه، درباره این است." اما مردم در اجتماع غرب اینگونه فکر نمی‌کنند. بنابراین، امور اغلب خیلی هموار پیش نمی‌روند، و بعضی اوقات کارمندان مهاجرت را عصبانی می‌کند، "چرا جواب صریحی به من نمی‌دهی؟" آنها فکر می‌کنند که من می‌کردن شما به خاطر این است که دروغ می‌گویید. اما شما دروغ نمی‌گویید. این ناشی از روشی که چیزها را ابراز می‌کنید، یا روش تفکرتان، درکتان یا مفاهیم‌تان است. واقعاً تفاوت‌هایی وجود دارد. سعی کنید مستقیم پاسخ دهید. البته، دلیل دیگری نیز وجود دارد که حیاتی است: وضعیت تزکیه فرد.

مرید: اگر شرکت رسانه‌ای برای برخی وظایف افراد عادی را استخدام کند، آیا ایده‌های خوبی که از اشتراک منابع مریدان دافای ما به دست می‌آید به اجتماع افراد عادی درز پیدا می‌کند؟

**استاد:** اگر توانایی‌های تبلیغاتی خودتان ضعیف است و برخی افراد عادی را برای کار بر روی تبلیغات یا بازاریابی استخدام کنید ممکن است موضوع مهمی نباشد. اما، در مورد سایر چیزها، اگر فرد [غیر تمرین‌کننده] در همان دفتر بوده، آنگاه ممکن است مشکل بزرگی باشد. بسیار محتمل است که خیلی‌ها فکر کنند او یک مرید دافا است و درباره آنچه که می‌گویند مراقب نباشند. مطمئناً در اینکه چگونه چیزها فهمیده می‌شوند تفاوت وجود می‌داشت. و اگر مسائلی درباره سابقه آن فرد وجود داشته باشد، آنگاه مشکل بزرگ‌تری را بوجود می‌آورد. حزب شیطانی هرگونه خبری درباره فالون گونگ را "اطلاعات" در نظر می‌گیرد. بنابراین، این چیزها پیچیده هستند. اگر افرادی را از اجتماع عادی استخدام می‌کنید، آنها را پیش خودتان نگه ندارید. آنها را در مکان جداگانه‌ای مستقر کنید. به این طریق مریدان دافا خواهند دانست که آنها غیر تمرین‌کنندگان هستند و اینها مریدان دافا هستند. در غیر این صورت با هم مخلوط خواهند شد.

مرید: من مرید دافایی از شمال شرق چین هستم. مریدان دافای زیادی هنوز در زندان‌ها و اردوگاه‌های کار اجباری چین مورد شکنجه و آزار قرار می‌گیرند. برای اینکه هم‌تذکیه‌کنندگان مان را به شکل مؤثرتری نجات دهیم چه باید کنیم؟

**استاد:** هر فردی مسیر تذکیه خودش را دارد. به عنوان مریدان دافا، فکر کردن درباره کمک به هم‌تذکیه‌کنندگان تان که متحمل شکنجه و آزار کمتری شوند شایسته و مناسب است. اما در مورد اینکه به طور خاص چگونه آن را انجام دهید، در تذکیه، وضعیت تذکیه فرد به میان می‌آید. اگر وضعیت تذکیه‌اش خوب باشد، کمک کردن آسان است؛ اگر وضعیتش خارج [از مسیر] باشد، کمک کردن آسان نخواهد بود. فقط می‌توانم بگویم که در حد توان تان باید بهترین سعی خود را کنید که آنچه را که باید، انجام دهید. در واقع، مریدان دافای سراسر جهان در حال کار کردن بر روی آن هستند. آنها در حال افشای شیطان و مهار کردن آن هستند.

مرید: مریدان دافا چگونه باید از رسانه‌های اجتماع به خوبی استفاده کنند؟

**استاد:** از رسانه‌های مردم عادی به خوبی استفاده کنند؟ بگذارید آن را به این صورت بیان کنم: امور مریدان دافا اموری هستند که ما باید اداره کنیم—باید خودمان آنها را انجام دهیم. اگر برای انجام آنها روی رسانه‌های عادی حساب می‌کنید، تقوای عظیم آن شرکت رسانه‌ای بیش از حد زیاد می‌بود. همان‌طور که می‌دانید، برخی روزنامه‌ها تأثیر عظیمی دارند. اگر روزنامه‌ای حقیقت را درباره شکنجه و آزار فالون گونگ فاش می‌کرد و چیزها را، با وضوح زیاد، از ابتدا تا انتها پوشش می‌داد، شما فکر می‌کردید که این قطعاً چیز خوبی است. بسیاری از افراد فکر می‌کردند که این واقعاً عالی است. اما نیروهای کهن مطلقاً حاضر به چنین کاری نمی‌بودند، زیرا محیطی که نظم و ترتیب داده‌اند را نابود می‌کرد. آنها مطلقاً مخالف چیزی هستند که این به اصطلاح "محیطی" را که باور دارند مریدان دافا را آزمایش می‌کند، خراب کند. به همین خاطر است که در تمام این سال‌ها رسانه‌های افراد عادی درباره آن گزارش نکرده‌اند. من مدت‌ها قبل درباره این مسائل می‌دانستم، بنابراین هرگز از شما نخواستیم که بر روی آن کار کنید. تا زمانی که بروید و آن کار را انجام دهید ماجرا منفی از کار در می‌آید.

البته، برخی گزارشگران، شن یون را تماشا کرده‌اند یا هنگام تعامل با مریدان دافا حقیقت را دریافته‌اند، که در این مورد آنها متفاوت هستند. بنابراین بعضی اوقات گاه و بی‌گاه گزارشی درباره چیزهای معینی وجود دارد، و این البته بسیار خوب و عالی است. فقط می‌توان گفت که آن فرد برجسته است، و برای خود آینده‌ای انتخاب کرده است. این تنها صورتی است که بتوان آن را بیان کرد. اما اگر بخواهید چنین چیزهایی در مقیاسی بزرگ‌تر روی دهند، یا افراد ماجرای ما را به تفصیل گزارش دهند، در این سال‌ها این هنوز اتفاق نیفتاده است. اینطور نیست که شما نمی‌توانید آن را به انجام برسانید و به خاطر این نیز نیست که استاد به شما اجازه نداده نباشد. اینطور است که نیروهای کهن در حال مهار و کنترل کردن اجتماع عادی هستند.

مرید: اخیراً در هنگ کنگ برخی مداخلات شیطانی وجود داشته است. آیا این به واسطه وابستگی‌های بشری در سمت اکثریت مریدان دافای هنگ کنگ اتفاق افتاد؟ یا دلایل دیگری وجود دارد؟

**استاد:** وقتی به مشکلات برمی‌خورید انگشت اشاره را به سمت یکدیگر نگیرید. هر کسی باید به آرامی درباره آن فکر کند. هنگ کنگ برای حزب شیطانی خط مقدم است، و آن اکنون درست بیرون آرواره‌هایش است. وقتی در آنجا شیطان را افشا می‌کنید، آن قدر پر از نفرت می‌شود که دندان‌هایش [از فرط به هم فشردن] تا ریشه درد می‌گیرند. غیرطبیعی می‌بود اگر [ح.ک.ج] آن کارهای شیطانی را انجام نمی‌داد. اما مریدان دافا فوق‌العاده هستند. در تمام این سال‌ها شما فوق‌العاده عمل کرده‌اید، و تحت آن شرایط از عهده این برآمده‌اید که شیطان را با قدرت زیاد افشا کنید. اگرچه آن قدر پر از نفرت می‌شود که دندان‌هایش درد می‌گیرد، اما کاری نیست که بتواند انجام دهد. و با تقلای جنون‌آمیز اخیرش، دیگر حتی درباره آن به اصطلاح "یک کشور، دو نظام" خود یا [حفظ] ظاهر، اهمیتی نمی‌دهد. مردم دنیا دیده‌اند که حزب شیطانی مشاعر خود را از دست داده و دوباره با حیل‌های کثیف خود دچار جنون شده است.

در این زمان لازم است که با آرامش و عقلانیت عمل کنید. این مکانی است که سابقاً نظم و ترتیب داده شد که مریدان دافا حقیقت را روشن کنند. پس آیا چنان جنونی می‌تواند مدت زیادی دوام داشته باشد؟ دوام نخواهد داشت. و نیروهای کهن در حال انجام آن هستند تا وابستگی‌های بشری معینی را هدف قرار دهند. اگر یک نفر مشکلی داشته باشد، یک موضوع تزکیه فردی است. اما اگر در تزکیه، افراد زیادی مشکل داشته باشند، مشکلات در وضعیت بزرگ‌تر امور به وقوع می‌پیوندد. بنابراین، وقتی با چیزها روبرو می‌شوید باید آرام و متین بمانید. استاد در حال مشاهده این امر بوده است، و من در حال مشاهده وضعیت ذهنی مریدان دافا هستم و اینکه چگونه هر فردی به چنین مسائلی رسیدگی می‌کند.

*مرید: برخی افراد آموزش‌های جعلی فا را در همه جا پخش می‌کنند. وقتی با چنین چیزهایی برخورد می‌کنیم چگونه باید آنها را اداره کنیم؟*

**استاد:** در مقام یک فرد: به آن گوش نکنید، به آن نگاه نکنید، و این پایان آن است. چرا افراد هنوز توسط آن چیزها به نوسان در می‌آیند وقتی که می‌دانند جعلی است و می‌دانند که وبسایت مینگهویی بارها این را اعلام کرده است و درباره این مسئله صحبت کرده است؟

بیباید درباره‌اش بیندیشیم: علت اینکه چنین چیزهای در میان شاگردان ما اتفاق می‌افتد چیست؟ آیا علتش این نیست که برخی افراد دوست دارند از طریق شایعات اطلاعاتی را بشنوند؟ این وابستگی‌ای برآمده از تفکر بشری است. بنابراین، نیروهای کهن با هدف قرار دادن آن تفکر بشری فکر می‌کنند، "اگر کاری نکنیم که او به طرز بد و ناخوشایندی سقوط کند، تغییر نخواهد کرد و از آن ذهنیت رها نخواهد شد. باید کاری کنیم که او در این موضوع سقوط کند." و بنابراین کاری می‌کنند که آن افراد بروند و شایعه‌پراکنی کنند. افرادی که شایعه را پخش می‌کنند خودشان به شایعات علاقمندند و برای همین است که آن را انجام می‌دهند.

آیا برخی افراد سقوط نکرده‌اند؟ آنها برای سال‌ها زمین خوردند و نتوانستند بلند شوند. عاقبت متوجه آن شدند، و از افسوس و ندامت رنج کشیدند. استاد چنین چیزهایی را به رسمیت نمی‌شناسد، اما به خاطر اینکه به شیطان اجازه دادید از یک اصل استفاده ببرد است که جرأت انجام آن کار را به خود داد. اگر می‌توانستید زودتر آن وابستگی را رها کنید، چنان زبان‌هایی وجود نمی‌داشت. این مخصوصاً هنگامی که در میان چنین گروه بزرگی تزکیه می‌کنید [مهم] است. وقتی افراد در گذشته تزکیه می‌کردند، برای اینکه فردی را قادر کرد که در تزکیه موفق شود، رویکردهای مختلفی برای هدف قرار دادن و زدودن وابستگی‌های مختلف بشری استفاده می‌شد. آنگاه، وقتی مریدان دافا کوتاهی‌هایی دارند، شیطان وابستگی‌هایشان را هدف قرار داده و دردسر ایجاد می‌کند. بعضی اوقات شیطان هر چه را که از آن می‌ترسید هدف قرار داده و کاری می‌کند که اتفاق بیفتد، یا هر چه را که ذهنتان آن را رها نمی‌کند به بار می‌آورد.

*مرید: چگونه می‌توانیم به مریدانی که کوشا نبوده‌اند یا سقوط کرده‌اند کمک کنیم که به مسیر بازگردند؟*

**استاد:** برای او حقایق را همان‌طور که برای فردی که فا را آموزش ندیده است روشن می‌کنید، روشن کنید. علتش این است که یکبار که او سقوط کرده باشد، حتی دیگر قادر نخواهد بود لون یو را از بر بخواند، و قادر نخواهد بود که هیچ قطعه‌ای از کتاب‌های دافا را به یاد بیاورد. اگر او واقعاً بخواهد برگردد، باید از نو شروع به مطالعه کند. باید دوباره از اول شروع کند.

*مرید: برخی مریدان به تغییرات حروف چینی که در کتاب‌ها به عمل آمده توجه زیادی نمی‌کنند. چگونه چنین کتاب‌هایی می‌توانند به نسل‌های بعد منتقل شوند؟*

**استاد:** استاد امور مربوط به نسل‌های بعد را اداره خواهد کرد. اما، مریدان دافا باید در مورد آنچه که قرار است انجام دهند به خوبی عمل کنند.

مریله: عده کمی از شاگردان از چین وجود دارند که خیلی سخت کار می‌کنند، اما به درک خودشان خیلی وابسته هستند.

**استاد:** واقعاً خوب چرا شکنجه و آزار در سرزمین اصلی این قدر شدید است؟ یک دلیلش این است که ذهنیت‌های بشری برخی افراد بسیار شدید است. گفته‌ام که وقتی با هم به صورت یک گروه کار می‌کنید، ایده هیچ کسی احتمالاً نمی‌تواند تماماً کامل باشد. اجتماع پیوسته در تغییر است و وضعیت امور نیز همین‌طور. و آیا این صحت ندارد که مردم امروز یک چیز را مد روز در نظر می‌گیرند و فردا چیزی دیگر را. این اجتماعی دائماً در حال تغییر است. بنابراین اصرار نداشته باشید که ایده‌های شخص شما خیلی خوب است. تا زمانی که چیزی برای اتمام کار [لازم] است، بروید و با همدیگر بر روی آن سخت کار کنید. اگر احساس می‌کنید که چیزی در برخی زمینه‌ها در حد ایده‌آل نیست، و شما بهترین تلاش‌تان را می‌کنید که آن را بهتر سازید، آنگاه این قابل توجه است، این چیزی است که موجودات خدایی می‌خواهند ببینند و این چیزی است که یک تزکیه‌کننده باید انجام دهد. (تشیو) موضوع این نیست که کدام ایده یا ایده چه کسی کامل یا فوق‌العاده است. ممکن است شما در بحث پیروز شده باشید، اما این دقیقاً چیزی است که موجودات خدایی مخالف آن هستند، و استاد نیز نمی‌خواهد آن را ببیند. و گذشته از این، نیروهای کهن فکر می‌کنند که هر چه [ایده‌ای] کمتر کامل باشد، بهتر است. چون به این صورت، وقتی روی آن کار می‌کنید و انواع نواقص [موجود] در آن آشکار می‌شود، اگر بتوانید آن چیزها را جبران نمایید، آنگاه این قابل توجه است. آن وضعیت به هر کسی فرصتی داده است تا با هم تزکیه کنند. آنها اینگونه به آن نگاه می‌کنند.

مریله: برخی هم تزکیه‌کنندگان برای چندین رسانه به‌طور تمام‌وقت کار می‌کنند، و هیچ درآمدی برای تأمین زندگی روزانه‌شان ندارند. برخی رسانه‌ها کمک‌خرجی ارائه می‌دهند؛ این پول توسط تمرین‌کنندگان اهدا می‌شود. برخی تزکیه‌کنندگان به این درک رسیده‌اند که پذیرفتن کمک‌هزینه موافق با فای آموزش داده شده توسط استاد درباره پرداخت حقوق نیست، و بنابراین آنها شرکت را ترک کرده و یک شغل عادی پیدا کرده‌اند. آنها اکنون انتخاب کرده‌اند که در سایر پروژه‌های روشنگری حقیقت کار کنند. من نیز با این سوال دریافت کمک‌هزینه روبرو هستم. چگونه باید آن را درک کنم؟

**استاد:** بعضی از رسانه‌ها با موافقت من کمک‌هزینه‌هایی ارائه کرده‌اند. اگر بخواهید یک شرکت رسانه‌ای را در سریع‌ترین زمان ممکن موفق سازید، اما حقوقی نداشته باشید، چگونه می‌تواند عملی باشد؟ و اگر افراد تمام‌وقت کار نکنند، آیا آن امکان‌پذیر است؟ بنابراین انجام آن در آغاز کار ایرادی ندارد. برای مثال، اگر آن‌تی‌دی‌تی‌وی قرار است از اول شروع کرده و به خوبی عمل کند، مشکلی نیست که این کار را در طول این دوره از زمان انجام داد، به خاطر شرایط. اما این خیلی ادامه نخواهد یافت. مسئول جدید نمی‌گذارد که آن برای مدت زیادی ادامه داشته باشد.

مریله: به خاطر اینکه زمان زیادی گذشته است، برخی شاگردان قدیمی در چین کوشا نبوده و حتی از تزکیه خارج شده‌اند. چه باید کنیم؟

**استاد:** درخصوص تزکیه، آیا نمی‌دانید—نیروهای کهن دقیقاً می‌خواهند کسانی را که کوشا یا در حد استاندارد نیستند غربال کنند. قبلاً گفته می‌شد، تزکیه درست مثل زرگیری و جدا کردن طلا است، درست است؟ شن و ماسه همگی غربال شده و فقط طلا باقی می‌ماند. آیا عبارتی بدین مضمون وجود ندارد که، "موج‌های بزرگ، شن را غربال می‌کنند"؟ در میان باده‌ها و امواج بزرگ، چیزی که غربال می‌شود شن و ماسه است و چیزی که باقی می‌ماند طلا است.

در حقیقت، فکر می‌کنم تمامی موجودات ذی‌شعور باید در طی این دوره در تاریخ، تصمیمی حیاتی درباره هستی خود بگیرند. اگر فردی نمی‌خواهد دیگر تزکیه کند، این تماماً به خود آن فرد بستگی دارد. در یک روش تزکیه درست، هیچ کسی مجبور به تزکیه نمی‌شود. اگر قلب فرد با آن نباشد، آنگاه حضور او در میان تزکیه‌کنندگان جعلی و ساختگی است. بنابراین در تمام این مدت رویکرد من این بوده که اگر تزکیه می‌کنید، من، به عنوان استاد شما، از شما مراقبت خواهم کرد؛ و اگر تزکیه نمی‌کنید، آزادید که بروید. اگر قلب فرد با آن نباشد، عملی نخواهد بود.

مرید: حزب پلید شروع کرده که استفاده از اردوگاه‌های کار برای مریدان دافا را کاهش دهد، اما استفاده از محکومیت‌های زندان و محکومیت‌های سنگین زندان را افزایش دهد. آیا دوباره شیطان شروع به احیا شدن کرده است؟

**استاد:** این موردی است از شراب کهنه در یک بطری جدید. حقه‌های شیطان تمام شده است. تمامی ترفندهای شیطانی‌اش را به مردم نشان داده است، و آن کار انجام شده تا وابستگی‌های بشری آزمایش شوند.

مرید: چند سال پیش، استاد در آموزش‌های فای خود بیان کردند که مریدان دافای خارج از چین نباید به آنجا بازگردند. آیا اکنون مریدان دافای خارج از چین می‌توانند به چین بازگردند؟

**استاد:** اگر شما در فهرست سیاه شیطان هستید و به چین بازگردید، آنها قطعاً سراغ شما می‌آیند. اگر اجازه دهند برگردید، دو هدف دارد: یکی این است که به اصطلاح از شما "اطلاعات" بگیرند؛ دیگری این است که شما را یک جاسوس کنند. در غیر این صورت به شما اجازه برگشتن نمی‌دهند. برای همین است که وقتی خیلی افراد از سفری که به چین داشته‌اند برمی‌گردند، هم‌تزکیه‌کنندگان‌شان به آنها اعتماد نمی‌کنند. آنها فکر می‌کنند، "مشکل بتوان گفت که وقتی در چین بودید چه می‌کردید." افراد اینگونه فکر خواهند کرد. آیا واقعاً می‌خواهید چنین دردسرهایی را فرابخوانید؟

مرید: اخیراً یک اردوگاه کار اجباری بسیار شیطانی افشا شد. یک فرد عادی نیز کتابی منتشر کرد که شرارت این اردوگاه را افشا می‌کند. و افراد عادی و رسانه‌هایی عادی هستند که می‌خواهند با شاگردان سرزمین اصلی که در اردوگاه‌های کار اجباری شکنجه شده‌اند مصاحبه کنند. برخی شاگردان چینی مایلند که قدم پیش گذاشته و شرارت‌ها را افشا کنند. مایلم از استاد بی‌پرسم، آیا در این زمان انجام این کار مناسب است؟

**استاد:** البته که مناسب است. چرا آن را افشا نکنیم؟ (تشویق) شاگردان خارج از سرزمین اصلی چین می‌توانند تلاش بسیار زیادی را صرف آن کنند. شاگردان داخل باید به ایمنی خود توجه کنند. همیشه از پذیرش این شکنجه و آزار امتناع کرده‌ام و من آن چیزهای نظم و ترتیب داده شده توسط نیروهای کهن را نمی‌پذیرم. هرگز هم نخواهم پذیرفت. (تشویق)

مرید: مینگهویی پیوسته مقالاتی را منتشر کرده که از افراد می‌خواهد به ایجاد اختلال در فا خاتمه دهند، اما برخی شاگردان در چین هنوز درباره آن روشن نشده‌اند.

**استاد:** واقعاً. آنها توسط شیطان در حال کنترل شدن هستند، و حتی با مینگهویی مخالفت می‌کنند. آیا می‌دانید چرا اخبار و اطلاعات را در مینگهویی منتشر می‌کنم؟ برای این است که به شما بگویم آن قابل اطمینان است، که آن سکویی است که مریدان دافا از طریق آن می‌توانند ارتباط برقرار کنند. از زاویه‌ای دیگر که صحبت کنیم، استاد نیز مواظب آن است، و آن هیچ مشکل عمده‌ای نخواهد داشت.

مرید: برخی هم‌تزکیه‌کنندگان در سرزمین اصلی تمرین‌ها را با هم در منظر عموم انجام می‌دهند. این منجر به بازداشت‌هایی شده است. و آنها فعالانه حقیقت را روشن نمی‌کنند.

**استاد:** روشن نکردن حقیقت، و حل و فصل نکردن آن موضوعات، درست نیست. وقتی شرایط مناسب است، شاگردان در برخی نواحی هنگامی که برای تمرین کردن به بیرون می‌روند با مزاحمتی روبرو نمی‌شوند. اما برخی نواحی دیگر نباید کورکورانه از آنها تقلید کنند. وقتی وضعیت هنوز کاملاً شیطانی است، این کار را انجام ندهید، چون منجر به تلفات و زیان‌هایی می‌شود.

مرید: فقط حدود نیم میلیون مرید دافا در مینگهویی اظهاریه باوقار منتشر کرده‌اند. آیا علتش این است که افراد زیادی هستند که کارهای اشتباه انجام داده‌اند اما هنوز قدم پیش نگذاشته‌اند؟ چگونه می‌توانیم بهتر به آنها کمک کنیم؟

**استاد:** صرفاً در آنچه که مریدان دافا باید انجام دهند به خوبی عمل کنید. یکبار که یک هم‌تزکیه‌کننده سابق واقعاً سقوط کرده باشد، آنگاه نسبت به او همان رویکردی را داشته باشید که هنگام روشنگری حقیقت برای یک فرد عادی دارید. با او طوری رفتار نکنید که گویی هنوز یک تزکیه‌کننده است. اگر فکر می‌کنید که درک‌های او همانند شما است، پس در اشتباه هستید. به محض اینکه فردی سقوط می‌کند، او دقیقاً مثل یک فرد عادی است. بنابراین باید درست همان‌طور که برای یک فرد عادی حقیقت را روشن می‌کردید برای وی روشنگری حقیقت کنید. قبلاً به شما گفته‌ام که اگر فردی تزکیه را متوقف کند، حافظه‌اش از هرگونه اثری از فایده پاک خواهد شد. بنابراین هیچ چیزی را به خاطر نخواهد آورد. اگر قصد داشته باشد تزکیه کند، آنگاه باید از نو تزکیه کرده و دوباره از اول شروع کند.

مرید: علاوه بر پرسش‌های مطرح شده، کارکنان کنفرانس برگه‌هایی از شاگردان در بسیاری از نواحی دریافت کرده‌اند. آنها را بعداً به استاد خواهیم داد.

**استاد:** این یکی را کارکنان کنفرانس برایم نوشته‌اند. تعداد زیادی درود به استاد بوده که آنها را ترکیب کرده‌اند. اینها را برایتان می‌خوانم. تمام بدنه مریدان دافا از تای‌یوان، شانزی، پکن، ژوجو، هونان، چنگ‌دو، سیچوان، جین‌ژو؛ شهر جشی از هیلونگ‌جیانگ؛ نان‌یانگ؛ منطقه فوشان؛ بائودینگ، هوبی؛ شانزی؛ یوشان؛ شن‌جن؛ لیوژو، گوانگ‌شی؛ شیجیاژوانگ؛ پان‌جین؛ ماکائو؛ جینان؛ تانگ‌شان، هبی؛ لیائوچنگ، شاندونگ؛ شن‌یانگ؛ آنهویی؛ شان‌شی؛ یون‌نان؛ سوچو؛ چانگچون؛ هیلونگ‌جیانگ؛ لینگ‌یوان؛ وی‌فانگ؛ مودانگ‌جیانگ؛ چی‌فنگ، مغولستان داخلی؛ شاندونگ؛ یون‌نان؛ پینگ‌جیانگ، هونان؛ پینگ‌شان، هبی؛ چنگده؛ ووهان، هوبی؛ شانگ‌های؛ جین‌ژونگ، شانزی؛ یوچی؛ گوانگ‌ژو؛ هونان؛ وزارت هوافضا، پکن؛ منطقه هونگ‌شان، ووهان؛ شهر هوانگ‌گانگ، هوبی؛ شهر ووژوئه؛ شهر ماچنگ؛ شهر هوانگ‌شی؛ شهر شی‌شوئی؛ شین‌جیانگ؛ لانگ‌فانگ، هبی؛ ژجیانگ؛ شهر پانژی‌هوا؛ لشان، سیچوان؛ دانشگاه‌ها و کالج‌ها در پکن؛ جیانگ‌سو؛ لیائونینگ؛ فوجیان؛ دالیان؛ تیان‌جین؛ هنان؛ داتونگ؛ دیانگ، سیچوان؛ ژانگ‌جیانگو، و گانسو به استاد درود می‌فرستند.

**استاد:** از همه متشکرم. (تشویق) بیشتر وجود دارد. کارکنان کنفرانس درودها را ترکیب کرده‌اند. این قسمت دیگری از آنها است. تمام مریدان دافا از ژاپن؛ لس‌آنجلس، ایالات متحده آمریکا؛ استرالیا؛ رومانی؛ هلند؛ نروژ؛ هاوایی؛ ونکوور؛ ایران؛ دوبی؛ نیوزلند؛ ویتنام؛ کره؛ ایتالیا؛ فرانسه؛ انگلستان؛ اسپانیا؛ مالزی؛ سیدنی؛ تایوان؛ سان‌فرانسیسکو، کالیفرنیا، ایالات متحده آمریکا، و نیویورک به استاد درود می‌فرستند. (تشویق)

این تمام چیزی است که اکنون می‌گویم. امروز در جمع حضار بیش از هشت هزار نفر حضور دارند. اگر هر یک از شما یک برگه به بالا می‌فرستاد مسلماً قادر نمی‌بودم همه آنها را بخوانم. اما به‌طور مشابه، پرسش‌هایی که اکنون به آنها پاسخ دادم شاید نماینده [پرسش‌های شما نیز] بودند. امیدوارم که همه چیزی از آن بدست آورده باشند. هر بار که یک کنفرانس فایده‌داریم، اگر زمان اجازه دهد استاد آن را بدین صورت انجام داده و سعی می‌کند به تعداد بیشتری از پرسش‌های شما پاسخ دهد. اما به هر صورت، مهم نیست چه اندازه می‌گویم، هنوز باید شما باشید که تزکیه می‌کنید. استاد فقط می‌تواند راهنمایی ارائه کند. البته، در تزکیه، این هنوز هم صادق است که، "تزکیه به شما مربوط است، گونگ به استاد مربوط است." مسلماً اینطور است. اما هنگامی که با مشکلات مواجه می‌شوید، هنگامی که با تمام آن مجموعه از وضعیت‌های گوناگون موجود در میان مردم عادی مواجه می‌شوید، این باید شما باشید که آنها را اداره می‌کنید.

این بود صحبت امروز. امیدوارم گام پایانی سفر را به خوبی ببینید. واقعاً وقت زیادی باقی نیست. هر لحظه ممکن است به پایان برسد، و مرحله بعد هر لحظه ممکن است آغاز شود. از همه متشکرم. (تمامی مریدان می‌ایستند. تشویق طولانی پرشور)